

مدیریت ورزشی - تابستان ۱۴۰۰
دوره ۱۳، شماره ۲، ص: ۶۱۶ - ۵۸۱
تاریخ دریافت: ۹۸ / ۰۲ / ۲۶
تاریخ پذیرش: ۹۸ / ۱۲ / ۲۹

جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

رضا حسن پور قادی^۱ - مرتضی دوستی^{۲*}

۱. دانشجوی، دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران ۲. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران

چکیده

دیپلماسی ورزشی از انواع دیپلماسی‌های عمومی است که امروزه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها دارد. شرایط ویژه جمهوری اسلامی ایران، ضرورت پرداختن به دیپلماسی ورزشی کارآمد را دوجندان می‌نماید. دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی همواره در پی استفاده از ظرفیت‌های قدرت نرم برآمده‌اند، اما در این زمینه کارآمدی مناسبی نداشته‌اند و با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بوده‌اند. استفاده از دیپلماسی ورزشی درست و کارآمد می‌تواند دولتمردان را در پیشبرد اهداف سیاسی خود به‌ویژه در عرصه روابط بین‌الملل و ایجاد صلح جهانی یاری کند. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه جایگاه دیپلماسی ورزشی در دولت‌های روی کارآمده ایران پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی به جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی کشور، در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن بود که دیپلماسی ورزشی کشور از روند و الگوی خاصی پیروی نمی‌کند، ولی هرچه از صدر انقلاب می‌گذرد، دولت‌ها بدون توجه به مواضع سیاسی خود به استفاده بیشتر از این دیپلماسی در راستای اهداف خود روی آورده‌اند.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی، دولت‌های ایران، سیاست خارجی.

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، دارای فراز و نشیب‌های زیادی بوده است. با توجه به تغییر نظام حاکم بر کشور و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید و شرایط داخلی و بین‌المللی در هر دولت به قدرت رسیده در کشور شاهد سیاست خارجی متفاوتی بوده‌ایم. در هر دوره با توجه به قابلیت‌های داخلی، شرایط و مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از رویکردهای اتخاذ شده به پیگیری منافع خود پرداخته و در هر دوره، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به رویکرد مشخص اعمال شده است. در دهه اول انقلاب با توجه به شرایط متشنج کشور که متأثر از پیروزی انقلاب از سویی و از سوی دیگر ناشی از شروع جنگ تحمیلی و برخوردهای خصمانه با ایران بود؛ قابلیت اجرای رویکردی متناسب و اتخاذ سیاست خارجی مستقل، مدون، باثبات و هدفمند را از جمهوری اسلامی ایران سلب کرد. هرچند پس از اتمام جنگ نیز شرایط بغرنج حاصل از جنگ هشت‌ساله، امکانات لازم برای پیگیری سیاست خارجی مدون را از ایران سلب کرد، اما با این حال جمهوری اسلامی ایران با توجه به تثبیت موقعیت و درک شرایط، اقدام به پیگیری سیاست خارجی مدون و هدفمند کرده است (۱).

همواره مشاهده می‌شود کشورهای دنیا در پی افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود در بین ملل مختلف‌اند و برای رسیدن به این مهم از ابزارهای متفاوتی که در اختیار دارند، استفاده می‌کنند. در گذشته اغلب این ابزارها در کشورهای مختلف بر پایه قدرت سخت بود و ملت‌ها برای دستیابی به اهداف بین‌المللی خود از نیروی نظامی، ارتش، رایزنی‌ها و ائتلاف‌ها استفاده می‌کردند. اما امروزه تحول عظیمی که در نظام بین‌المللی از لحاظ نظری و عملی رخ داده، سبب شده است ابزار مورد استفاده کشورها برای نیل به اهداف بین‌المللی خود نیز دستخوش تغییر شود. امروزه مشاهده می‌شود دولت‌ها در کنار استفاده از قدرت سخت که مبتنی بر نظامی‌گری است، به استفاده از قدرت نرم که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهاست، روی آورده‌اند (۲). قدرت نرم را می‌توان توانایی یک کشور در برآوردن خواسته‌ها و اهداف خود از طریق جاذبه و نه اعمال زور و کیفر دانست.

دیپلماسی عمومی قدرت نرمی است که دولت‌ها سعی دارند از طریق آن افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (۳). رسالت بنیادین دیپلماسی، مدیریت بر روابط میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی است. در واقع دیپلماسی عمومی فرایند ارتباط مردم یک کشور با عامه مردم کشورهای دیگر برای شناساندن ایده‌های خود،

شناخت ایده‌های آنها و آرمان‌های ملی، معرفی نهادها، فرهنگ، هنرها و تبیین اهداف سیاست‌های خود است. در دیپلماسی عمومی مقوله‌هایی همچون هنر، ورزش، دانش، فرهنگ، تاریخ و مذهب نقش کلیدی دارند و مسئولان یک کشور با میدان دادن به سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد، زمینه ایجاد ارتباطات ورزشی، فرهنگی، علمی و هنری را فراهم می‌کنند تا برداشت مردم دنیا در مورد آن کشور در مسیر درست و معقول شکل گیرد و از این مسیر و با نزدیک شدن ملت‌ها به یکدیگر، زمینه رفع اختلاف‌های دولت‌ها فراهم شود (۴).

امروزه افکار از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین‌دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (۵). در گذر واژه‌ها دیپلماسی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و مذهب در عرصه‌های مختلف جوامع بشری نقش آفرینی می‌کند. در میان انواع دیپلماسی، دیپلماسی ورزش پدیده‌ای فراگیر است که در سطح دیپلماتیک پس از دیپلماسی رسمی مهم‌ترین مؤلفه ارتباطی میان کشورها محسوب می‌شود (۴).

ورزش در کنار مسئولان، مخاطبانی غیر از آنان را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و در این زمینه از ابزارهای تبلیغاتی مختلفی از جمله رسانه‌ها استفاده می‌کند و می‌تواند از این بستر برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک خود نیز بهره گیرد. ورزش می‌تواند خواسته‌های افراد را بدون پنهان‌کاری منتشر کند و به این نیازها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار یا امتیاز پاسخ دهد. دیپلماسی ورزشی با ارائه جذابیت خود می‌تواند با تأثیرگذاری بر عامه مردم به نتایج مطلوب دست یابد (۶). امروزه مشاهده می‌شود که ورزش ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی به‌شمار می‌آید. کشورها سعی می‌کنند از ورزش برای اهداف گسترده خود در زمینه کسب قدرت، ثروت و افزایش منزلت بین‌المللی خود استفاده کنند. این عوامل سبب حضور دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیگر دیپلماسی شده است (۲).

دیپلماسی ورزش به‌عنوان ابزاری کارآمد و انعطاف‌پذیر در سیاست خارجی، زمینه‌ساز ارتقای روابط دولت‌ها و به‌تبع آن، افزایش تفاهم میان ملت‌ها و ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی است. امروزه با ناکارآمدی راهکارهای نظامی در حل مناقشه‌ها و منازعات جهانی و برقراری امنیت بین‌المللی نیاز به استفاده از این پدیده به‌عنوان راه‌حلی بنیادین در میان دولت‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. ورزش می‌تواند نمایندگان همه کشورهای جهان را ورای تفاوت‌های آشکار آنها در زبان، رنگ، نژاد، ایدئولوژی، فرهنگ و ... در کنار یکدیگر قرار دهد و صحنه‌های شورانگیز انسانی را بیافریند. پنج حلقه متصل به هم که نماد پنج قاره

جهان بوده و روی پرچم سفید المپیک که نماد پاکی است نقش بسته، خواهان همین ترکیب انسانی است (۷). المپیک همواره صحنه باشکوهی برای کسب افتخار و پرستیژ برای کشورها بوده است؛ چه موفقیت در کسب میزبانی آن که خود با دیپلماسی پیچیده‌ای کسب می‌شود، چه برگزاری باشکوه آن که بیانگر سطح بالای مدیریت، توانمندی و توسعه میزبان آن است و توانایی در کسب سهمیه‌های متعدد و رژه باشکوه در میان کشورهای شرکت‌کننده و از آن مهم‌تر کسب مدال‌های متعدد رنگارنگ، همه باعث کسب افتخار، اعتبار و پرستیژ می‌شود (۸).

برای ایران نیز حضور در المپیک و موفقیت در آن همواره صحنه‌ای برای کسب اعتبار و پرستیژ بوده است. ایران در بین کشورهای اسلامی و خاورمیانه همواره جزء موفق‌ترین کشورها در این میدان بوده است. در سال‌های پس از انقلاب اگرچه ایران دو دوره، المپیک را تحریم کرد و نیز با وجود هشت سال جنگ تحمیلی و تحمل فشارهای بین‌المللی در مقابل تحریم‌ها و مجازات‌های مختلف، اغلب حضور ایران در صحنه المپیک با کسب موفقیت‌های بزرگ همراه بوده است (۹). اوج این موفقیت‌ها را می‌توان المپیک لندن دانست که ایران با ۵ طلا، ۶ نقره و ۲ برنز بالاتر از کشورهایی مانند، اسپانیا، برزیل، ترکیه، سوئیس، نروژ، کانادا و... در مکان ۱۵ جدول مدال‌ها قرار گرفت.

کسب چنین موفقیتی آن هم در وضعیتی که ایران در بدترین شرایط بین‌المللی قرار داشته و با سنگین‌ترین تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی روبه‌رو بوده است، در نوع خود موفقیتی بسیار بزرگ و افتخارآفرین قلمداد می‌شود. چنین موفقیتی در کنار دیگر موفقیت‌ها مانند پیشرفت‌های علمی و فناوری ابزاری برای کسب پرستیژ و اعتبار بین‌المللی است. ورزشی مانند فوتبال نیز به عرصه‌ای تبدیل شده است که ملت‌ها بتوانند خود را با دیگران مقایسه کنند. تلاش و رقابت کشورها برای موفقیت در جام جهانی فوتبال و کسب مقام اول چنان شدید و پرهزینه است که برخی مواقع از آن به‌عنوان جنگ جهانی تعبیر می‌شود (۹). با توجه به مفهوم دیپلماسی ورزشی و تأثیر این مهم در پیشبرد اهداف سیاسی کشور، پژوهش حاضر به اهمیت و میزان استفاده از این دیپلماسی در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پرداخته است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات با روش اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع، گردآوری و تحلیل شده است. در این پژوهش پس از ارائه بحث‌های نظری درباره مفهوم و اهمیت

دیپلماسی ورزشی، به پیشینه و سیر تحول دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی دولت‌های ایران به تفکیک هر دولت روی کارآمده پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تاکنون پرداخته شده است. همچنین به دلیل اینکه کسب موفقیت‌ها و حضور شایسته در ابررودادهای ورزشی (المپیک و جام جهانی فوتبال) و همچنین رویدادهای ورزشی مهم بین‌المللی دیگر به تقویت جایگاه کشور در این عرصه کمک می‌کند، به رویدادهای مهم ورزشی دنیا در دوران هر دولت و عملکرد ورزشی کشور در زمان آن دولت پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه دیپلماسی ورزشی و استفاده از آن در پیشبرد اهداف سیاسی و روابط بین‌الملل، پژوهش‌هایی در کشور صورت گرفته است که اغلب به اهمیت آن و ضرورت استفاده از آن اشاره می‌کنند. در این زمینه فاضلی (۱۳۹۱) بیان می‌کند تعامل ورزش و سیاست در عصر جدید به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است و حکومت‌ها می‌کوشند تا از ظرفیت‌های آن به بهانه‌های مختلف بهره گیرند. مهم‌ترین کارویژه سیاسی ورزش به‌ویژه ورزش فوتبال، کنترل و جهت‌دهی به افکار عمومی، نشان دادن چهره‌ای کارآمد از دولت و در نهایت ملت‌سازی است (۱۰).

شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی (۱۳۹۴) در تحقیقی بیان کردند جمهوری اسلامی ایران تاکنون به دلیل نداشتن راهبردی واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید حیات خلوت به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است (۱۱). صباغیان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی ورزشی» بیان می‌دارد بین‌المللی شدن بسیاری از ورزش‌ها موجب شده است تا کشورها به رقابت ورزشی بین‌المللی، به‌عنوان میدانی برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه کنند. در این چارچوب مفهوم دیپلماسی ورزشی در کنار انواع دیپلماسی‌های دیگر ظهور کرده است (۲).

باقری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقات خود بیان می‌دارند ورزش به‌عنوان یکی از بازیگران جدید عرصه بین‌الملل و دیپلماسی ورزش به‌مثابه یکی از زیرشاخه‌های نوین دیپلماسی عمومی نقش بسزایی در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از حکومت‌های مردم‌سالار جهان که همواره طی سال‌های پس از انقلاب مورد اتهامات و تحریم‌های ناروا قرار گرفته است، می‌تواند از این اهرم به‌منظور بهبود و تقویت تصویر خود در عرصه بین‌الملل در کنار سایر کارکردهای ورزش در این حوزه مانند کسب برندینگ و پرستیژ بین‌المللی، معرفی خود به‌عنوان

کشوری صلح‌دوست و مخالف با نژادپرستی، تعامل و تبادلات فرهنگی، جلوگیری و کاهش انزوای سیاسی و تحریم‌ها و افزایش حمایت‌ها از ورزش و تبلیغات آن، افزایش هویت، غرور و انسجام ملی استفاده کند (۱۲). شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶) در تحقیق خود بیان می‌دارند حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیبال فرصتی به‌وجود آورده است تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک کنند (۱۳).

بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بازیینی و بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی، هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به‌عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند (۱۴). پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی بیان می‌دارند دیپلماسی ورزش پدیده جدیدی است که در پی افزایش تعامل برای باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک فرهنگ بین مردم جهان است. ایشان نتیجه گرفتند که برنامه‌محوری و شناخت دیپلماسی ورزشی پیامدهای عمده‌ای در توسعه جامعه‌شناسی سیاسی، سیاست خارجی و توسعه ورزش کشورها در ابعاد مختلف در برخواهد داشت (۱۵).

پژوهشگران متعددی نیز در کشورهای مختلف در تحقیقات خود به مسئله دیپلماسی ورزشی پرداخته‌اند؛ کاسترو (۲۰۱۳) در پژوهش خود، کسب مقام‌های مختلف قهرمانی کشور برزیل در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه این کشور می‌داند (۱۶). چا (۲۰۱۳) در پژوهش خود به نقش بازی‌های آسیایی در از میان بردن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد در آسیا اشاره می‌کند. او در این مطالعه ورزش را ابزاری تقویتی برای توسعه تعاملات بین‌المللی می‌نامد (۱۷).

-
1. Castro
 2. Cha

مورای و پیگمن^۱ (۲۰۱۴) در مطالعات خود، دو طبقه‌بندی متفاوت از دیپلماسی ورزشی ارائه می‌دهند؛ اولین مورد شامل ورزش بین‌المللی است که آگاهانه توسط حکومت‌ها به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک استفاده می‌شود و دومین طبقه ورزش و بین‌الملل به‌منزله دیپلماسی که می‌تواند به‌عنوان بازیگری غیرحکومتی در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نقش مذاکره‌کننده و نماینده گفتمان را داشته باشد (۱۸). پیگمن^۲ (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی بیان می‌دارد تیم‌های حاضر در رویدادهای بین‌المللی نه‌تنها نمایندگان وزارت خارجه کشورها هستند، بلکه نماینده همه مردم و دولت‌ها نیز هستند (۱۹). عبدی و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقات خود بیان می‌دارند ورزش به بخشی جدایی‌ناپذیر از جامعه و ابزاری برای دیپلماسی در سراسر جهان تبدیل شده است. همچنین در ادامه بیان داشته‌اند اگر منابع دیپلماسی ورزشی خلاقانه و هدفمند انتخاب شوند و این منابع انتخاب‌شده همراه با راهبردهای سیاسی هر کشور باشند، نتایج آن می‌تواند به مانند نتایج دیپلماتیک موردنظر هر کشور باشد (۲۰).

دوبینسکی (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان می‌دارد سه منبع اصلی قدرت نرم فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی است و دیپلماسی فرهنگی به نحوه استفاده فرهنگ برای دیپلماسی عمومی و اهداف قدرت نرم اشاره دارد. کشورها، شهرها و جوامع برای دستیابی به اهداف اجتماعی، سیاسی و مالی و بهسازی چهره کشور از ورزش برای دیپلماسی عمومی و اهداف برندسازی خود استفاده کرده‌اند. همچنین او بیان می‌دارد قرار گرفتن در معرض جوامع بین‌المللی، تمرکز بر فرهنگ و ارزش‌های صلح‌آمیز در ورزش آن را به ابزاری مفید برای استفاده از قدرت نرم برای نیل به اهداف بین‌المللی و بهبود دیپلماسی عمومی تبدیل کرده است (۲۱).

یافته‌های تحقیق

دیپلماسی ورزشی دولت اول (۱۳۵۸/۱۱/۱۵ تا ۱۳۶۰/۳/۳۱)

در این قسمت نخست دیپلماسی ورزشی در دولت اول جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود. این دولت نخستین دولت در ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است که با آرای مستقیم مردم در پی نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، به قدرت رسید. با توجه به شرایط نوپای کشور، مشکلات داخلی و اختلافات بین‌المللی به‌وجودآمده در آن زمان و با توجه به سیاست خصمانه دولت‌های غربی

1. Miray & Pigman
2. Pigman

به‌خصوص ایالات متحده با ایران که به‌دلیل از دست دادن بزرگ‌ترین متحد منطقه‌ای در پی انقلاب اسلامی ایران بود و این امر ارتباط دیپلماتیک با غرب را تا اندازه‌ای ناممکن می‌ساخت، نقش سیاست خارجی و دیپلماسی بسیار پراهمیت می‌نماید. شاید بهترین راه برای دستیابی به اهداف بین‌المللی در آن زمان برای دولت‌مردان ایران استفاده از دیپلماسی ورزشی بود.

یکی از رویدادهای مهم ورزشی که نظر بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی، مردم و حتی سیاسیون را به خود جلب می‌کند و فرصت مناسبی برای ابراز مواضع سیاسی ملل نیز است، بازی‌های المپیک است. سیزدهمین دوره بازی‌های المپیک زمستانی در همان هفته‌های آغازین تشکیل دولت نخست ایران در ۱۹۸۰ میلادی مصادف با ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ در لیک‌پلاسید، نیویورک یکی از شهرهای ایالات متحده آمریکا آغاز شد که ایران در این رقابت‌ها نماینده‌ای نداشت و به این سبب نتوانست از این فرصت برای گسترش روابط دیپلماتیک خود استفاده کند.

چند ماه بعد بیست‌ودومین المپیک تابستانی از ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۲۸ تیر ۱۳۵۹) در شهر مسکو در اتحاد جماهیر شوروی و با حضور ۵۱۷۹ ورزشکار زن و مرد از ۸۰ کشور جهان برگزار شد. آمریکا، آلمان غربی، ژاپن و ایران و بسیاری از کشورهای بلوک غرب و اسلامی در محکومیت اعزام نیرو از جانب اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، المپیک مسکو را تحریم کردند. به این ترتیب با توجه به وسعت این رویداد و پوشش رسانه‌ای آن در سراسر جهان، می‌توان گفت یکی از بهترین فرصت‌های پیش روی سیاست خارجه ایران در عرصه دیپلماتیک از بین رفت. پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران، شرکت در این المپیک می‌توانست اولین حضور ورزشکاران کشورمان در بازی‌های المپیک باشد، اما جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اعتراض به اقدام اتحادیه جماهیر شوروی، بازی‌ها را تحریم کرد و با وجود آمادگی و شایستگی ورزشکاران در این بازی‌ها شرکت نکرد.

در این باره رئیس سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک آن زمان، بیان داشت دستگاه ورزش ایران موافق حضور ایران در آن بازی‌ها بود، اما سیاسیون تصمیم گرفتند ایران هم مثل چندین کشور دیگر راهی مسکو نشود. او درباره روند تصمیم‌گیری درباره تحریم المپیک می‌گوید: «در دولت و شورای انقلاب خیلی در این باره بحث شد؛ من موافق اعزام تیم بودم و حتی رئیس‌جمهور وقت هم نظری منفی‌ای نداشت و در نهایت قرار شد ما سفری به افغانستان داشته باشیم تا نظر افغان‌ها را هم جویا شویم». پس از کش‌وقوس‌های فراوان رئیس سازمان تربیت بدنی به‌همراه چندی از رؤسای فدراسیون‌ها و مسئولان وقت سازمان تربیت بدنی اعزام افغانستان شدند تا نیروهای مخالف دولت تحت حمایت شوروی این کشور

در آن زمان) را راضی کنند تا ایران به المپیک برود، اما مجاهدین افغان و نیروهای معترض به حضور شوروی در افغانستان کاملاً مخالف حضور ایران در المپیک بودند و تأکید داشتند که کشورهای اسلامی باید در حمایت از افغانستان المپیک مسکو را تحریم کنند. این خواسته افغان‌ها به اطلاع دولت ایران رسید و وزارت امور خارجه بلافاصله به سازمان تربیت بدنی اعلام کرد که ایران نیز در اعتراض به تجاوز شوروی به افغانستان المپیک ۱۹۸۰ را تحریم خواهد کرد. تمامی ورزشکارانی که قرار بود به مسکو اعزام شوند، دور هم جمع شدند و رئیس‌جمهور برای آنها دلیل تحریم را توضیح داد. به این ترتیب المپیک مسکو برای ایران به پایان رسید (۲۲).

اندکی بعد از بازی‌های المپیک تابستانی مسکو دوره هفتم جام ملت‌های آسیا درست مصادف با روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی هشت‌ساله در ۲۴ شهریور ۱۳۵۹ به میزبانی کویت آغاز شد.

تیم ملی فوتبال ایران به‌عنوان اولین تیم ملی فوتبال پس از انقلاب و البته اولین تیم ورزشی پس از انقلاب ۱۳۵۷ به رقابت‌های جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۰ کویت اعزام شد. تیم ملی تازه پس از هیاهوی انقلاب تشکیل شده بود، البته به المپیک مسکو ۱۹۸۰ صعود کرد، اما دولت وقت و شورای انقلاب آن رقابت‌ها را برای همه تیم‌های ورزشی تحریم کرد. اما دلیل اینکه چرا کویت تحریم نشد این بود که ایران قهرمان سه دوره قبلی جام ملت‌های آسیا بود و الزامات فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا نمی‌گذاشت تیم ملی رقابت‌های جام ملت‌های آسیا را تحریم کند. در مراسم افتتاحیه و در ورزشگاه صباح سالم الصباح سرود جدید ایران نواخته شد. ایران به‌عنوان اولین تیم در مراسم رژه وارد شد که البته دلیلش این بود که قهرمان دوره قبل رقابت‌ها و قهرمان سه دوره قبلی جام ملت‌های آسیا بود. آن مسابقات همزمان با حمله عراق به ایران بود، تیم ملی عراق در آن رقابت‌ها حضور نداشت، اما دیگر تیم‌های عربی حاضر در مسابقات و به‌خصوص کویت می‌خواستند از فرصت استفاده کنند تا تیم ملی ایران را که از مدعیان قهرمانی بود، کنار بزنند (۲۳).

سرمربی وقت تیم ملی در این باره می‌گوید: «پس از اینکه به رده‌بندی رسیدیم، تصمیم داشتیم بازی‌ها را ترک کنیم، چراکه بازیکنان روحیه نداشتند و البته شرایط کلاً علیه بازیکنان تیم ملی بود. از زمین و آسمان اعراب می‌خواستند که به ما ضربه بزنند و این قابل تحمل نبود. تا اینکه مرحوم سید احمد خمینی با اردوی تیم ملی تماس گرفت و گفت باید در کویت بمانیم، چراکه نماینده فوتبال ایران هستیم و باید هر طور هست تا پایان رقابت‌ها در کویت بمانیم». وی در پایان حرف‌هایش می‌گوید: «اگر جنگ نمی‌شد، مطمئن باشید که ایران می‌توانست قهرمانی‌اش را چهارگانه کند. آن مقام سومی که در

روزهای جنگ به دست آوردیم خیلی می‌ارزد». بهتاش فریبا، بازیکن آن زمان تیم ملی نیز در این باره می‌گوید: «آن چیزی که روی اعصاب ما رفته بود این بود که تلویزیون کویت اخبار فارسی تلویزیون عراق را بازپخش می‌کرد و آنها به دروغ خبر می‌دادند که رژیم ایران به شکست‌هایش در جبهه‌های جنگ اعتراف کرده است، درحالی که اصلاً این‌طور نبود» (۲۳).

با توجه به اتفاقاتی که در این دوره از بازی‌ها برای تیم ملی ایران به وجود آمده، شاید بتوان گفت جای دیپلماسی قوی در آن خالی به نظر می‌رسد. احتمالاً اگر دولت در آن زمان روابط بهتری با دولت‌های همسایه می‌داشت یا مسئولان ورزش کشور ارتباطات مناسب‌تری با هم‌تایان خود در دیگر کشورها و کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا داشتند، می‌توانستند شرایط را طوری رقم بزنند که تیم ملی ایران در آن بازی‌ها با آرامش بیشتری به مسابقات خود ادامه دهد و حتی قهرمان آن مسابقات شود. قهرمانی که می‌توانست پرسروصدا شود و در روزهای ابتدای جنگ تحمیلی نقطه قوت و روحیه‌بخشی برای کشورمان باشد.

با نگاهی اجمالی به رویدادهای ورزشی اتفاق افتاده در دوران سکانداری دولت نخست جمهوری اسلامی ایران می‌توان دریافت دیپلماسی ورزشی ایران در تقابل با رویدادهای ورزشی به دنبال سیاست محافظه‌کارانه آن زمان بسیار بسته و متأثر از اتفاقات سیاسی و جو متشنج آن زمان کشور بوده است. نقطه اوج این امر را می‌توان تحریم المپیک ۱۹۸۰ مسکو دانست. این موضوع از سه نظر شایسته سرزنش به نظر می‌رسد؛ اول آنکه خود کشور افغانستان که ایران به بهانه حمایت از آن در مهم‌ترین رویداد ورزشی دنیا شرکت نکرد، در این بازی‌ها حضور داشته است؛ دوم آنکه با توجه به شرایط نامساعد و متشنج ایران حضور در این رویداد می‌توانست کمک شایانی به روابط دیپلماتیک با سایر کشورها به خصوص کشور میزبان این رویداد برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان بیاورد و در آخر آنکه با توجه به آمادگی و راهیابی برخی ورزشکاران و تیم‌ها به این دوره از مسابقات، ایران می‌توانست با کاروانی عظیم به مسکو برود و در آن بازی‌ها حضور یابد.

دیپلماسی ورزشی دولت دوم (۱۳۶۰/۵/۱۲ تا ۱۳۶۰/۶/۸)

دولت دوم جمهوری اسلامی ایران تنها یک دوره کوتاه مدت ۲۸ روزه دوام داشت.

سیاست خارجی رئیس‌جمهور در دولت دوم را اگر همان سیاست دوران نخست‌وزیری وی دانست، باید به سخنان او در شهریورماه ۱۳۵۹ که هنگام معرفی کابینه به مجلس شورای اسلامی ارائه شد، استناد کرد. او بیان می‌دارد برنامه خطوط و اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی دولت، اتکا به اصل نه

شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی است و روابط جمهوری اسلامی با سایر ملت‌ها و دولت‌ها در چارچوب نظام ارزشی اسلام خواهد بود. باید توجه کرد که سیاست خارجی مبتنی بر اصل مزبور مخالف هر نوع موازنه مثبت در سیاست خارجی و مخالف سازش با یک ابرقدرت برای مبارزه با ابرقدرت یا قدرت طاغوتی دیگر است. همچنین با توجه مصاحبه وی که در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۷ در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد، وی در خصوص شیوه‌های کلی برخورد با کشورهای خارجی در ابعاد کلی قضیه این‌گونه موضع می‌گیرد: «ما با هیچ کشور خارجی رابطه خصمانه نداریم، مگر اینکه آن کشور در برابر انقلاب اسلامی ایران موضع خصمانه اتخاذ کرده باشد». وی همچنین بیان می‌دارد: «ما وابستگی به غرب و شرق را محکوم می‌کنیم». روزنامه اطلاعات نیز مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۹، می‌نویسد شهید رجایی درباره شیوه برخورد سیاست خارجی با کشورهای اسلامی چنین اظهار می‌کند: «برخورد ما حتی با کشورهای اسلامی نسبی است. میزان اعتماد و عمل کشورهای اسلامی به اسلام تنظیم‌کننده روابط ما با آنهاست و به سمت کشورهای متجاوز به خودمان حرکت نمی‌کنیم و به‌طور کلی میزان تولی و تیرای ما براساس دوری و نزدیکی کشورها به اسلام است و شکی نیست برخورد ما با یک کشور کافر که با ما در حال جنگ است، همانند برخورد با یک کشور عربی نیست که با ما جنگ ندارد» (۲۴).

با توجه به کوتاه‌مدت بودن دوران سکنداری این دولت و عدم وقوع رویداد ورزشی مهم در آن زمان تنها می‌توان به مطالب مذکور و اظهارات سیاسیون اتکا کرد. از این نظر نمی‌توان تحلیل درست و منطقی در زمینه دیپلماسی ورزشی صورت گرفته در این زمان کوتاه داشت. اما با شرایط محافظه‌کارانه آن دوران و همچنین با توجه به مواضع مسئولان کشور در آن زمان احتمالاً در صورت تداوم این دولت شرایط دیپلماسی ورزشی همانند شرایط آن در دولت قبل بود و تفاوت چشمگیری در این عرصه رخ نمی‌داد.

دیپلماسی ورزشی دولت سوم و چهارم (۱۳۶۰/۷/۱۷ تا ۱۳۶۸/۵/۱۳)

این دولت نیز همراستا با دولت قبلی بود و مواضع مستحکم خود را در خصوص سیاست خارجه و مقابله با سلطه آمریکا تغییر نداد. از این دولت به‌عنوان دولت تثبیت انقلاب اسلامی و حفظ ارزش‌های آن یاد می‌شود. از ویژگی‌های این دولت مواضع سرسختانه در قبال آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل بود (۲۵). این دولت نیز متأثر از انقلاب، جنگ تحمیلی و اتفاقات داخلی ایران، سیاست خارجی مشابه با دولت پیشین اتخاذ کرد. با توجه به این موارد دیپلماسی ورزشی این دولت بررسی می‌شود.

از اتفاقات مهم ورزشی در دوران دولت سوم که می‌توانست در پیشبرد اهداف دیپلماتیک کشور بسیار مؤثر واقع شود، دوازدهمین دوره بازی‌های جام جهانی فوتبال بود. این رویداد از اولین رویدادهای

مهم ورزشی اتفاق افتاده در این دولت بود که از ۱۳ ژوئن ۱۹۸۲ (۲۳ خرداد ۱۳۶۱) تا ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۰ تیر ۱۳۶۱) انجام گرفت. بیست و چهار تیم در این بازی‌ها حضور داشتند و با وجود وسعت پوشش رسانه‌ای این رویداد در سراسر جهان می‌توانست فرصت مناسبی برای ارتقای جایگاه جهانی ایران گردد. اما متأسفانه تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های مقدماتی این رویداد به دلیل جنگ نظامی با عراق و ناامن بودن کشور حضور نیافت، فدراسیون فوتبال ایران با عدم حضور در بازی‌های مقدماتی این دوره تصمیم به کناره‌گیری از این رقابت‌ها گرفت.

با گذشت چند ماه بعد از رقابت‌های جام جهانی این بار نوبت نهمین دوره بازی‌های آسیایی بود که در شهر دهلی نو هندوستان در ۱۹ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۸ آبان ۱۳۶۱) با حضور ۳۲ کشور آسیایی آغاز شد. ایران برخلاف بازی‌های المپیک در بازی‌های آسیایی شرکت کرد. این اولین حضور ایران در بازی‌های آسیایی بعد از انقلاب بود. کاروان ورزشی ایران در این دوره از بازی‌های آسیایی تنها در چهار رشته ورزشی شرکت کرد و با کسب ۴ مدال طلا، ۴ نقره و ۴ برنز در مکان هفتم جدول قرار گرفت.

حدود دو سال بعد بیست و سومین دوره بازی‌های المپیک تابستانی نیز در زمان زمامداری این دولت اتفاق افتاد. این بازی‌ها از ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۴ (۶ مرداد ۱۳۶۳) تا ۱۲ اوت ۱۹۸۴ (۲۱ مرداد ۱۳۶۳) در شهر لس‌آنجلس در ایالت کالیفرنیا آمریکا و با حضور ۱۴۰ کشور جهان برگزار شد. اتحاد جماهیر شوروی و برخی متحدین آن به تلافی تحریم ایالات متحده آمریکا در بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۸۰ مسکو از شرکت در این دوره از بازی‌ها امتناع کردند. هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران نیز تصمیم گرفت به سبب تجاوزهای آمریکا در بعضی از نقاط جهان و مداخله آمریکا در جنگ تحمیلی ورزشکاران خود را در این دوره از بازی‌ها شرکت ندهد، از این رو در این دوره از بازی‌ها نه تنها ورزشکاران، مربیان و سرپرستان، بلکه داوران دعوت شده نیز حضور نیافتند.

نخست وزیر وقت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «عدم شرکت ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس، مورد تصویب قاطع هیأت وزیران قرار گرفت». به این ترتیب ایران در دو دوره متوالی در بازی‌های المپیک شرکت نکرد (۲۶). ریاست سازمان تربیت بدنی وقت در این باره می‌گوید: «آن موقع اصلاً رسم نبود که ورزشکاران ایرانی با آمریکایی‌ها مسابقه بدهند و من به خاطر می‌آورم هنگامی که در مسابقات جهانی کشتی، یک کشتی‌گیر ما خلاف این رویه عمل کرد و با حریف آمریکایی‌اش مسابقه داد، رئیس فدراسیون کشتی توبیخ شد و یکی از نشریات آن موقع به نام ارزش و ورزش به شدت از ما انتقاد کرد». به گفته وی وزارت امور خارجه تصمیم‌گیرنده اصلی درباره تحریم المپیک ۱۹۸۴ بود (۲۲).

این اتفاق در بین تمام کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک، منحصر به فرد بوده است؛ ایران تنها کشور جهان است که هر دو دوره این بازی‌ها را تحریم کرد، این موضوع نشان‌دهنده تلاطم، آشوب و بی‌برنامگی در سیاست خارجه و ورزش در آن زمان است که خود بستری برای زوال روابط دیپلماتیک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بود (۱۱).

به این ترتیب در این دولت نیز همانند دوره‌های گذشته شاهد از دست دادن فرصت‌های مناسب در عرصه دیپلماسی ورزشی بودیم. به نظر می‌رسد سیاست بسته دولت‌های قبل در ارتباط با جوامع بین‌المللی و رابطه با کشورهای جهان به خصوص دولت‌های غربی در این دولت نیز همچنان ادامه داشته است. از این رو و متأثر از آن در موضوع دیپلماسی ورزشی نیز دستاورد شایان ملاحظه‌ای در این دوران به چشم نمی‌خورد که از دست دادن دو ابرویداد ورزشی به سادگی گواه آن است. شاید با اتخاذ رویکرد منعطف‌تر در خصوص ورزش کشور و حضور در بازی‌های المپیک و شرکت در بازی‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال ایران می‌توانست فصل نوینی را در روابط دیپلماتیک و ارتباط مسالمت‌آمیز با کشورهای غربی رقم بزند که این امر میسر نشد. البته باید به این امر نیز توجه شود که شرایط بغرنج کشور در اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی عراق با ایران نیز از عواملی بودند که بر عدم برنامه‌ریزی مناسب در مورد دیپلماسی ورزشی کشور در آن زمان مؤثر بوده‌اند.

در دولت چهارم نیز انتظار رویکرد جدید در رابطه با سیاست خارجه کشور به چند دلیل دور از دسترس به نظر می‌آمد؛ اول آنکه سیاست دولت‌های متخاصم با ایران تغییری نیافته بود؛ دوم آنکه جنگ تحمیلی عراق با ایران و در پی آن شرایط داخلی و خارجی سخت، کمافی‌السابق پابرجا بود و سوم آنکه بسیار از ارکان این دولت همان دولتمردان سابق بوده‌اند و در پست خود ابقا شده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنان می‌توان به رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه اشاره کرد. طبیعتاً وقتی مواضع افراد همان مواضع قبلی بود و شرایط داخلی و خارجی کشور تغییر چندانی نداشت، سیاست خارجه کشور نیز همانند دولت قبل مبتنی بر مواضع سرسختانه در قبال آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل بود و در تعامل با سایر ملل محافظه‌کارانه و بسته رفتار می‌کرد که البته این امر تا حدی طبیعی به نظر می‌رسد و متأثر از شرایط کشور در آن زمان بود.

با توجه به اینکه در سال‌های جنگ تحمیلی ایران، امکان برگزاری مسابقات ورزشی بین‌المللی و برگزاری مناسبت‌های اجتماعی و کمیسیون‌های بین‌المللی وجود نداشت، اما می‌توان به اتفاقات مهم ورزشی این دوران که در پیشبرد اهداف سیاسی بسیار مؤثر بوده است اشاره کرد. مسابقات سال ۱۳۶۴،

جایی که ایران برای نشان دادن امنیت و قدرت تأمین آن، مسابقات بین‌المللی دهه فجر را با حضور تیم‌های امید رومانی و لهستان، تیم ملی سوریه و پاکستان و غنا برگزار کرد (۲۷). شاید بتوان برگزاری این رویداد را برگ زرینی در دیپلماسی ورزشی کشور در آن دولت دانست. این مسابقات که در ایام دهه فجر برنامه‌ریزی شد، توانست انقلاب اسلامی را به دنیا یادآور شود و علاوه بر آن ایران با برگزاری این رویداد نشان داد امنیت در کشور در سطح مطلوبی است.

از اتفاقات مهم ورزشی دیگر در زمان این دولت می‌توان به سیزدهمین رقابت جام جهانی فوتبال که از ۳۱ می ۱۹۸۶ (۱۰ خرداد ۱۳۶۵) تا ۲۹ ژوئن (۸ تیر ۱۳۶۵) در مکزیک برگزار شد، اشاره کرد. ایران در مقدماتی این دوره مسابقات فوتبال جام جهانی نیز شرکت نکرد. این دوره عرصه‌ای بود که ایران با یک تیم بزرگ و ستارگانی بی‌شمار می‌توانست در آن حضور یابد، اما این مسابقات هم توسط ایران تحریم شد. علت تحریم این مسابقات، اجبار فیفا و صدور بیانیه‌ای درباره کشورهای درگیر جنگ بود، بر این اساس کشورهای درگیر جنگ حق میزبانی در مسابقات رسمی زیر نظر فیفا را نداشتند. این بیانیه در سال ۱۹۸۴ صادر شد، ایران که اعلام کرده بود توان حفظ امنیت را در مسابقاتی به میزبانی مشهد دارد، در اعتراض به این تصمیم در مسابقات مقدماتی این دوره از بازی‌ها شرکت نکرد (۲۷). عدم شرکت ایران در بازی‌های مقدماتی به‌مثابه انصراف از یک رویداد مهم ورزشی دیگر بود؛ رویدادی که می‌توانست فرصت مناسبی در عرصه دیپلماسی ورزشی برای ایران باشد.

بیست‌و‌چهارمین المپیک تابستانی که از ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۸ (۲۶ شهریور ۱۳۶۷) در شهر سئول کره جنوبی و با حضور ۱۶۰ کشور جهان برگزار شد نیز در زمان زمامداری این دولت بوده است. حضور ایران در این مسابقات دهمین دوره حضور کاروان ایران در بازی‌های المپیک و اولین حضور ورزشکاران ایرانی بعد از انقلاب اسلامی بود. بعد از دو دوره تحریم بازی‌های المپیک توسط جمهوری اسلامی ایران (المپیک مسکو و المپیک لس‌آنجلس)، این اولین حضور یک هیأت ورزشی از کشور در بازی‌های المپیک بود. کاروان ورزشی ایران تنها در چهار رشته ورزشی حضور یافت و با یک مدال نقره و کسب عنوان سی‌وششمی به کار خود پایان داد.

به‌طور کل دیپلماسی ورزشی و استفاده از آن در پیشبرد اهداف سیاسی کشور در این دوران را می‌توان همراه با فراز و نشیب‌های دانست، نقطه مثبت این امر را می‌توان در برگزاری مسابقات فوتبال دهه فجر یافت؛ جایی که دولت توانست با برگزاری این بازی‌ها مشروعیت و امنیت کشور را به دنیا ثابت کند. اما نقطه منفی آن را نیز می‌توان عدم حضور در مسابقات انتخابی جام جهانی فوتبال دانست؛ جایی

که ایران در اعتراض به بیانیۀ فیفا در مسابقات انتخابی جام جهانی شرکت نکرد تا فرصت خوب دیگری برای ورزش و دیپلماسی کشور از بین برود.

دیپلماسی ورزشی دولت سازندگی (۱۳۶۸/۵/۱۲ تا ۱۳۷۶/۵/۱۲)

اصول کلی و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوران ثابت ماند، اما الگوی رفتاری و اولویت‌ها تغییر یافت. در بستر این گفتمان می‌توان دو اولویت اقتصادی و تنش‌زدایی را در نظر گرفت. در حوزه سیاست تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌توان گفت تعامل با کشورهای خارجی و تنش‌زدایی در جهت سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی و روابط نزدیک با همسایگان از رئوس برنامه‌های دوران سازندگی بود. سیاست تنش‌زدایی از طریق گفت‌وگو و مفاهمه، دیدگاهی ناشی از واقع‌گرایی بود و در عین حال می‌توانست پاسخگوی ارزش‌ها نیز باشد و با تمرکز در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأمین‌کننده منافع ملی نیز باشد. این دولت با فاصله گرفتن از اولویت‌های امنیتی و ایدئولوژیکی به سمت همگرایی و همکاری همه‌جانبه پیش رفت و در نتیجه زمینه‌های بیشتری را برای گفت‌وگوی میان دولت‌ها و همگرایی چندجانبه بین‌حکومتی فراهم آورد (۲۸).

از اتفاقات مهم ورزشی در دوران این دولت می‌توان به چهاردهمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال که از ۸ ژوئن تا ۸ ژوئیه ۱۹۹۰ مصادف با ۱۸ خرداد ۱۳۶۹ تا ۱۷ تیر ۱۳۶۹ در ایتالیا برگزار شد، اشاره کرد. تیم ملی فوتبال ایران در این دوره از بازی‌ها حضور نداشت که این عدم حضور به دلیل عدم صعود از مرحله انتخابی این بازی‌ها بود. بیست‌وپنجمین المپیک تابستانی نیز در دوران این دولت از ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۲ (۳ مرداد ۱۳۷۱) تا ۹ اوت ۱۹۹۲ (۱۸ مرداد ۱۳۷۱) در شهر بارسلون، در اسپانیا با حضور ۱۶۹ کشور جهان برگزار شد. ایران در این بازی‌ها با ۴۴ ورزشکار در ۷ رشته ورزشی شرکت کرد و موفق به کسب ۳ مدال شد که به کسب رتبهٔ چهل‌وچهارم در جدول مدال‌ها منجر شد. با این تفاسیر رتبهٔ ۴۴ جهان، رتبهٔ غیرمنطقی برای ورزش ایران نبود.

در خصوص اهمیت ورزش نزد رئیس‌جمهور این دوره می‌توان به صحبت‌های علی پروین پیشکسوت فوتبال کشور اشاره کرد. او در خاطراتش بیان می‌کند: «وقتی برای بازی مقابل الاتحاد به این کشور رفته بودیم، عرب‌ها سراغ من آمدند و یک پیشنهاد ۵۰ میلیونی به من دادند من هم این موضوع را به محض برگشتن با رئیس سازمان تربیت بدنی وقت مطرح کردم. ایشان یک روز من را خواست و گفت رئیس‌جمهور تماس گرفتند و گفتند علی پروین هرچه دلش می‌خواهد بگیرد و بماند. من هم جواب دادم به حاج آقا سلام برسانید و بگویید پروین تیم محل خود را ترک نمی‌کند و برود» (۲۹). موارد

مذکور شاید بتواند اهمیت جایگاه ورزش را نزد دولت وقت بیان کند. با این حال در زمینه دیپلماسی ورزشی مسئولان این دولت نیز دستاورد چشم‌نوازی نداشته‌اند. به هر حال رویکرد تعامل سازنده با ملل مختلف رویکردی نوپا و تازه تزریق شده به نظام کشور بود، از این نظر نمی‌توان انتظار اتفاق فوق‌العاده‌ای را در دیپلماسی ورزشی کشور در آن زمان داشت.

دولت دوم سازندگی نیز کار خود را با سیاست‌های سازندگی، تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای منطقه و غرب ادامه داد. این سیاست‌های دولت در عرصه دیپلماتیک و این موضع مسالمت‌آمیز دولت با دنیا طبیعتاً به سیاست‌ها و دیپلماسی ورزش در آن زمان نیز سرایت می‌کرد. از طرفی ورزش و دیپلماسی ورزشی می‌توانست در پیشبرد اهداف دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز دولت کمک شایانی کند.

در خصوص اتفاقات مهم در ورزش و دیپلماسی ورزشی این دوران نیز می‌توان به سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) اشاره کرد، جایی که تیم ملی کشتی ایران برای حضور در مسابقات جام جهانی اعلام آمادگی کرده بود. ظاهر ساده قضیه وقتی شکل ناممکنی به خود گرفت که نام میزبان رقابت‌ها آمریکا اعلام شد. مدیران کشتی ایران و رؤسای سازمان تربیت بدنی خود را آماده اعلام انصراف کرده بودند. اما شورای برون‌مرزی سازمان تربیت بدنی که مسئول صدور مجوز سفر به خارج از کشور برای تیم‌ها و گروه‌های ورزشی بود، رأی به سفر داد. معاون فنی ورزشی سابق سازمان تربیت بدنی در این باره می‌گوید: «به آقای هاشمی طبا گفتم احتمال دارد موضوع سفر به آمریکا تبعاتی داشته باشد، شما از رئیس‌جمهور پرسیده‌اید که برویم یا نه، ایشان گفتند بله پرسیدم و جواب رئیس‌جمهور یک کلمه بود؛ بروید. پرسیدم کمیته وزارت امور خارجه را چکار کنیم، جواب دادند که رئیس‌جمهور گفته‌اند بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده برای ورزش خود دستگاه ورزش است. کار را انجام دهید». به این صورت تیم کشتی ایران بدون اخذ مجوز از هیچ نهاد دیگری مجوز سفر را دریافت کرد. اولین تجربه رسمی سفر یک تیم ایرانی به آمریکا، پس از انقلاب در نماز جمعه منعکس شد. رئیس‌جمهور در پی پاسخگویی به ابهامات برآمده در خطبه‌های نماز جمعه اعلام کرد: «این هیأت ورزشی بنا به تصمیم من - رئیس‌جمهور - به آمریکا سفر کرده است. تیم ما باید می‌رفت و ورزش یک امر جهانی است» (۳۰).

بلافاصله پس از این سفر فدراسیون کشتی آمریکا به دعوت فدراسیون کشتی ایران پاسخ داده و در مسابقات بین‌المللی دهه فجر در بهمن‌ماه همان سال شرکت کرد؛ با توجه به تبلیغات نامطلوب جهانی، مدیران کشتی آمریکا خواهان تضمین حفظ سلامت اعضای تیم بودند. آنها مدام سابقه لانه جاسوسی را

مرور می‌کردند که این معضل نیز با مذاکرات متمادی حل شد؛ فائقی در این باره می‌گوید: «به آنها گفتیم اصلاً این‌طور نیست که شما فکر می‌کنید. مردم ما با مردم آمریکا مشکلی ندارند بلکه این دولت آمریکا است که در ذهن مردم با مشکل مواجه است». ورود اعضای تیم ملی کشتی آمریکا با استقبال چشمگیر مردم ایران همراه شد. اعضای تیم ملی کشتی آمریکا حتی گمان نمی‌کردند با چنین برخوردی مواجه شوند. در این سفر حتی یکی از نمایندگان پارلمان آمریکا همراه تیم به تهران آمده بود و مدام از مهمان‌نوازی مردم ایران سخن می‌گفت. در طول مدت اقامت هیأت کشتی آمریکایی، رئیس‌جمهور اخبار را از مدیران ورزش دریافت می‌کرد. او هر لحظه در جریان تمام حواشی قرار می‌گرفت و تأکید داشت که هیچ مشکلی برای اعضای تیم ملی کشتی آمریکا پیش نیاید (۳۰).

در آن سال‌ها بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۹۶ نیز از ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیر ۱۳۷۵) تا ۴ اوت ۱۹۹۶ (۱۴ مرداد ۱۳۷۵) در شهر آتلانتا، جورجیا در ایالات متحده با حضور ۱۹۷ کشور جهان برگزار شد. کاروان ورزشی ایران در این بازی‌ها با ۱۸ ورزشکار و در ۶ رشته ورزشی شرکت کرد و موفق به کسب ۳ مدال شد که در پایان با کسب رتبهٔ چهارم و سوم در جدول مدال‌ها به کار خود خاتمه داد.

با توجه به اتفاقات ورزشی این دوران و سیاست اتخاذشدهٔ دولت در زمینهٔ آن شاید بتوان این دوره را فصل نوینی در روابط دیپلماتیک ورزشی دانست که متأثر از سیاست خارجی دولت وقت و همراستا با آن بوده است. حضور کشتی‌گیران ایران در جام جهانی کشتی و حضور تیم کشتی آمریکا در مسابقات دههٔ فجر، زادهٔ دیپلماسی ورزشی منعطف و تعامل‌گرا بود که به دنیا فهماند دولت و مردم ایران مشکلی با ملل غرب ندارند و اگر هم اختلافی وجود دارد، اختلاف با دولت‌هاست و نه ملت‌ها. اولین تجربهٔ رسمی سفر یک تیم ایرانی به آمریکا برای حضور در جام جهانی کشتی سبب شد راه برای حضور ایران در المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا که چند ماه بعد از این رویداد آغاز شد، هموار شود و کاروان ایران در این مسابقات حضور یابد. این مطالب گواهی از موفقیت نسبی دیپلماسی ورزشی در این دولت است که به آن اشاره شد. دولت وقت با استفاده دیپلماسی ورزشی به بهبود روابط بین‌المللی خود به‌خصوص با کشورهای غربی که از اهداف این دولت بود، کمک کرد و گامی در این راستا برداشت.

دیپلماسی ورزشی دولت اصلاحات (۱۳۷۶/۵/۱۲ تا ۱۳۸۴/۵/۱۲)

دولت اول اصلاحات در ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ کار خود را رسماً آغاز کرد. رئیس‌جمهور با مطرح کردن گفت‌وگوی تمدن‌ها موجبات تقویت روابط ایران با غرب به‌ویژه ایالات متحده را فراهم آورد. آمریکا و ایران بیش از دو دهه بود که با یکدیگر روابط دیپلماتیک نداشتند. رئیس‌جمهور برای ذوب کردن یخ روابط

بین دو کشور، گفت‌وگوی دو ملت را پیشنهاد نمود و آمریکا با آن موافقت کرد (۳۱،۳۲). در همین زمینه می‌توان به مسابقات کشتی جام تختی اشاره کرد که در سراسر آن استفاده از ابزار ورزش برای اهداف دیپلماتیک کشور مشاهده می‌شود.

در فوریه ۱۹۹۸، تیم ملی کشتی آمریکا با دعوت‌نامه رسمی فدراسیون کشتی ایران برای شرکت در مسابقات مهم جام تختی وارد ایران شد. اگرچه این رویداد پوشش خبری اندکی در رسانه‌های آمریکایی، حداقل در بخش ورزشی داشت، رویدادی مهم در ایران به حساب می‌آمد که عده زیادی را در مجموعه ورزشی آزادی جمع کرد؛ مردمی که تیم کشتی آمریکا را به اندازه تیم کشور خود تشویق می‌کردند. پرچم آمریکا در استادیوم آزادی دیده شد، همان‌طور که زیگ جونز، ستاره تیم ملی کشتی آمریکا پرچم ایران را تکان داد. پس از مسابقه، کشتی‌گیران ایرانی و آمریکایی یکدیگر را در آغوش گرفتند تا با نشان دادن روحیه ورزشکاری، چیزی را به نمایش بگذارند که سیاستمدارانشان از تقلید آن ناتوان بودند (۳۱). پرچم آمریکا که تا پیش از این در ایران سوزانده می‌شد، این بار توسط ورزشکاران توانمند دو کشور حمل می‌شد، در دست گرفتن تصویر مقام معظم رهبری توسط داگلاس کشتی‌گیر آمریکایی در حضور ده‌ها دوربین خبری و تماشاگران حاضر در سالن پیام بزرگی برای مردمان جهان به شکل خاص برای مردمان دو کشور داشت، پیامی که در دولت هفتم و هشتم بارها و بارها تقویت شد (۱۱).

از دیگر اتفاقات مهم ورزشی در این دولت که از آن در پیشبرد اهداف سیاسی نیز استفاده شده است، می‌توان به بازی‌های جام جهانی فوتبال فرانسه اشاره کرد. تمهیدات ایران برای جام جهانی ۱۹۹۸ که با پیروزی ایران در نوامبر ۱۹۹۷ (آبان ۱۳۷۶) بر استرالیا به ثمر رسید، با جشن‌ها و پایکوبی‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای در ایران همراه شد. ایرانیان با استفاده از جو آزادتری که به‌واسطه انتخاب رئیس‌جمهوری جدید ایران حاصل شده بود، تمایلشان را برای پیوستن به جامعه جهانی که در قالب جام جهانی نمود می‌یابد، نشان دادند. وقتی تیم‌های فوتبال ایران و آمریکا، در نخستین مسابقات در یک گروه قرار گرفتند، شرایط مساعدی برای دمیدن روح جدید به روابط ایران و آمریکا فراهم آمد.

قبل از جام، سخنگوی تیم ایران ادعا کرد که ما جهان را شگفت‌زده خواهیم کرد. وقت آن رسیده بود که سنت جوانمردی تختی از کشتی به فوتبال سرایت کند و می‌شد از آن برای تصحیح تصویر بدی که از ایرانیان در ذهن آمریکایی‌ها وجود داشت، استفاده کرد. ورزشکاران ایرانی نه تنها با تعصب با میزبانان مواجه نشدند، بلکه رفتاری بسیار مؤدبانه و حتی دوستانه اتخاذ کردند و قبل از هر بازی دسته گلی را به رقبایشان هدیه می‌کردند.

محافل مطبوعاتی، بازی ایران و آمریکا را مسابقه‌ای کینه‌توزانه پیش‌بینی کرده بودند، اما مقامات رسمی ایران و آمریکا به ورزشکاران دستور دادند که آرام و مؤدب باشند و فدراسیون جهانی فوتبال بازی روز اول تیر را روز بازی جوانمردانه نامید و دو تیم مشترکاً از طرف فیفا جایزه بازی جوانمردانه را در اول فوریه ۱۹۹۹، دریافت کردند. کلینتون نیز قبل از بازی، پیامی فرستاد و در آن پیام اظهار امیدواری کرد که این بازی «گامی به سوی پایان بخشیدن به دوری بین دو ملت باشد». پس از پایان بازی نیز که با نتیجه دو بر یک به نفع ایران تمام شد، بازیکنان دو کشور پیراهن‌هایشان را با هم عوض کردند. در ایالات متحده رئیس‌جمهور وقت، پیروزی تیم ایران را تبریک گفت. در ایران نیز رئیس‌جمهور اظهار داشت آنچه باعث مسرت بیشتر است، آن است که این تلاش و کوشش به پیروزی منجر شده است (۳۲).

یکی دیگر از اتفاقات مهم ورزشی در این دوران که می‌توان به آن اشاره کرد، بازی‌های المپیک زمستانی است که در فوریه ۱۹۹۸ (بهمن ۱۳۷۶) در ژاپن و شهر ناگانو آغاز شد و ایران پس از ۲۲ سال با یک نماینده دوباره در بزرگ‌ترین رویداد زمستانی جهان شرکت کرد؛ این نخستین حضور ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این بازی‌ها بود. اتفاق مهم ورزشی دیگر در این دوران بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۰ است که از ۲۵ شهریور ۱۳۷۹ در شهر سیدنی استرالیا و با حضور ۱۰۶۵۱ ورزشکار از ۱۹۹ کشور جهان برگزار شد. ایران با کسب ۳ مدال طلا و یک برنز به مقام بیست‌وششم دست یافت که بهترین رتبه ایران در این بازی‌ها پس از انقلاب اسلامی در آن زمان بود و از این نظر قابل ستایش است. در ادامه سیاست‌های تعاملگرانه دولت وقت و مواضع دیپلماتیک رئیس‌جمهور به مواضع وی برای بهبود روابط با غرب برمی‌خوریم. رئیس‌جمهور در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرده بود که از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور (ایران و آمریکا) همانند دیپلماسی پینگ‌پنگ نیکسون استفاده شود (۱۱).

با توجه به اتفاقات ورزشی به‌وقوع‌پیوسته و مواضع و تصمیمات مسئولان در قبال آن می‌توان این دولت را دولتی دانست که از قدرت دیپلماسی ورزشی به‌صورت مناسب استفاده کرده است. از اتفاقات مهم و قابل تقدیر این دولت در عرصه دیپلماسی ورزشی می‌توان به مسابقات کشتی جام تختی و جام جهانی فوتبال اشاره کرد. همان‌طور که مفسران سیاسی این دولت را دولت اصلاحات در عرصه سیاست بین‌المللی می‌دانند، می‌توان این لقب را در عرصه دیپلماسی ورزشی نیز به آن اختصاص داد و آن را دولت اصلاحات دیپلماسی ورزش نامید. هرچند دیپلماسی ورزشی به‌تنهایی قادر به تحول عظیمی در روابط تاریک کشورها نیست، اما گامی مؤثر در این راستاست. دولت اصلاحات توانست با اتخاذ دیپلماسی

مناسب ورزشی رویکرد تعامل‌گرایانه ایران را به رخ جهانیان بکشاند و گامی هرچند کوچک در راستای بهبود روابط با دولت‌های غرب بردارد.

دولت دوم اصلاحات نیز مانند دوره پیشین در بعد داخلی تقویت جامعه مدنی و در بعد خارجی پیروی از سیاست تنش‌زدایی را سرلوحه خود قرار داد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت رویکرد تنش‌زدایی با دیگر کشورهای جهان وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاست خارجی خود شد (۱).

در خصوص دیپلماسی ورزشی دولت اصلاحات می‌توان به تحقیقات شریعتی و گودرزی (۱۳۹۴) اشاره کرد. آنها بیان داشتند: «انتخاب سید محمد خاتمی با دگردیسی و پوست‌اندازی ورزش ایران در عرصه بین‌المللی همراه بود، وی با ارائه بدعت نوین در روابط بین‌الملل، مردم دو کشور را حامی اصلی از بین بردن خصومت‌ها نامید. در این زمان بود که تعدادی از سازمان‌های بزرگ دولتی و غیردولتی ایالات متحده به دعوت ایران برای گفتمان سازندگی چراغ سبز نشان دادند». آنان در ادامه به روایت یک گزارشگر آمریکایی از حضورش در ایران پرداختند. جان مارکس روزنامه‌نگار و گزارشگر آمریکایی که تیم ملی کشتی ایالات متحده را برای مسابقات جام جهان کشتی تهران همراهی می‌کرد می‌گوید: «آنجا بود که متوجه شدم ورزش تنها عرصه‌ای است که مردمان یک کشور می‌توانند به راحتی عقیده خود را نسبت به مردمان کشور دیگر ابراز دارند» (۱۱).

از اتفاقات مهم ورزشی دیگر در این دوران بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۴ بوده است که از ۱۳ اوت (۲۳ مرداد ۱۳۸۳) در شهر آتن یونان و با حضور ۱۱۰۹۹ ورزشکار از ۲۰۲ کشور جهان برگزار شد. تیم ایران با کسب ۲ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز در رده بیست‌ونهم جای گرفت که رتبه معقولی به‌نظر می‌رسد.

با نگاهی به اتفاقات این دوره و دوره قبل در ورزش می‌توان دریافت دولت اصلاحات و مسئولان ورزش آن نگاهی نو و تعامل‌گرا را به دیپلماسی ورزشی کشور تزریق کرده‌اند و از این قدرت استفاده ابزاری مناسبی برای بهبود روابط خود با دنیا به‌خصوص بلوک غرب داشتند. استفاده از دیپلماسی ورزشی در پیشبرد اهداف سیاسی کشورها ابزاری بسیار مهم و مؤثر در بین دیگر ابزارهای دیپلماسی است، تا حدی که آن را مؤثرترین ابزار بعد از روابط دیپلماتیک معمول کشورها می‌دانند که باید اظهار داشت دولت اصلاحات از آن به‌درستی استفاده کرد و در موارد متعددی از این ابزار برای پیشبرد اهداف بین‌المللی خود استفاده جست.

دیپلماسی ورزشی دولت مهرورزی (۱۳۸۴/۵/۱۲ تا ۱۳۹۲/۵/۱۲)

دولت نهم جمهوری اسلامی ایران در تاکتیک‌های سیاست خارجی، در جهتی متفاوت از دولت قبل قرار گرفت، چراکه دستاوردهای ایران را در عرصه سیاست خارجی ناچیز و با ایرادهایی همراه می‌دانست. آغاز به کار دولت نهم در مرداد ۱۳۸۴، گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز دستخوش تغییر و تحول درونی کرد. ظهور این گفتمان که از گفتمان‌های پیش از خود متمایز و متفاوت است، در حقیقت، سیاست خارجی ایران را در بستر گفتمان اصول‌گرایی قرار داد (۳۳).

پس از روی کار آمدن رئیس‌جمهور او سازمان تربیت بدنی را به محمد علی‌آبادی سپرد. دخالت مستقیم در کار فدراسیون‌ها و برخی عزل و نصب‌ها به شدت ورزش را در این دوره تحت تأثیر مسائل خارج از حیطه ورزش، سیاسی کرد. شاید بتوان گفت بارزترین نقطه منفی در این دوران، دخالت مستقیم در امور فدراسیون فوتبال و عزل محمد دادکان در ۳۱ خرداد ۱۳۸۵ بود که فوتبال ایران را تا تعلیق کامل پیش برد. با برکناری دادکان، کیومرث هاشمی به سرپرستی فدراسیون فوتبال منصوب شد، البته این اتفاق فیفا را مجاب به برگزاری نشست ویژه و تعلیق کامل فوتبال ایران کرد. فیفا در بیانیه‌ای اعلام کرد: «فدراسیون فوتبال ایران به دلیل دخالت دولت در امور فوتبال که برخلاف ماده ۱۷ اساسنامه فیفاست از تمام فعالیت‌های بین‌المللی محروم می‌شود». در پی این اتفاقات ابتدا رئیس‌جمهور خواست تا ریاست فدراسیون فوتبال را خود بر عهده بگیرد، ولی زمانی که دید برای احراز این پست با موانع جدی قانونی روبه‌روست، از این کار منصرف شد. سپس علی‌آبادی کاندیدای ریاست فدراسیون شد و تا فیفا رسماً او را منع نکرد، کنار نرفت. او در ماجرای پیچیده مانع از حضور مصطفی آجرلو در انتخابات فدراسیون فوتبال شد تا کفاشیان در انتخاباتی تک‌نفره و بدون رقیب رئیس فدراسیون فوتبال شود. او بعدها به‌صراحت اعتراف کرد که هیچ علاقه‌ای به فوتبال ندارد، ولی از او خواسته شد تا این مسئولیت را عهده‌دار شود (۳۴).

از رویدادهای مهم این دوران که در عرصه ورزشی در سطح جهان رخ داد، المپیک تابستانی ۲۰۰۸ بود که از ۸ تا ۲۴ اوت ۲۰۰۸ (۱۸ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۸۷) در شهر پکن در چین با حضور تقریبی ۱۰۵۰۰ ورزشکار برگزار شد و تیم ایران با کسب یک مدال طلا و یک مدال برنز در رده پنجاه‌ویکم جای گرفت که رتبه مناسبی برای کاروان ایران تلقی نمی‌شد.

رخداد قابل توجه دیگری که جای پای سیاست در آن احساس می‌شود، اقدام فدراسیون تنیس ایالات متحده آمریکا بود که پس از قرار گرفتن ایران در رده چهل‌ونهم رده‌بندی جهانی تنیس در سال

۲۰۰۸ تیم ایران را با پیشنهادی دعوت به برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک در لاس‌وگاس کرد و در اواخر همان سال، تیم ایران برای بازی در تورنمنت لاس‌وگاس به آمریکا دعوت شد (۳۱). با توجه به رخدادهای ورزشی در این دولت می‌توان ورزش کشور در این دوران را ورزشی کاملاً سیاسی دانست. درست است که امروزه ورزش در سراسر دنیا با سیاست گره خورده است و اجتناب از این امر ممکن به‌نظر نمی‌رسد، اما این امر به‌صورت رسمی و علنی نیست و دولت‌ها ادعای می‌کنند که در امور ورزشی فدراسیون‌ها دخالتی ندارند. دولت مهرورزی و مسئولان ورزشی دولت به اهمیت دیپلماسی ورزشی واقف بوده‌اند و می‌دانستند این ابزار مهم چه اندازه در پیشبرد اهداف سیاسی آنان تأثیرگذار خواهد بود. از این نظر خواستار استفاده از آن بودند و به‌صورت مستقیم در این امر وارد شدند، اما باید گفت با اینکه دولت و مسئولان وقت خواهان استفاده از این ابزار در پیشبرد اهداف بین‌المللی خود بوده‌اند، شتاب‌زدگی و تصمیمات اشتباه آنان که به دلیل نداشتن تخصص و ناآشنایی با برخی قوانین جهانی بود، در پاره‌ای مواقع موجب متضرر شدن ورزش کشور شد.

دولت دهم جمهوری اسلامی ایران نیز سیاست‌های همانند دولت قبلی را اتخاذ کرد و مواضع خود را در رابطه با غرب تغییر نداد. در مورد سیاست‌های ورزشی دولت دوم مهرورزی نیز همان سیاست قبلی پابرجای بود، به‌گونه‌ای که خبرگزاری ایلنا در گزارش خود در مورد این موضوع چنین بیان می‌دارد؛ ورزش در این دولت سیاسی‌تر از هر زمان دیگری بود و مسئولانی غیرورزشی از روی ناچاری در این بخش به‌کار گرفته شدند. در طول دوره هشت‌ساله دولت مهرورزی دو رئیس سازمان تربیت بدنی و اولین وزیر ورزش، دوران پرفراز و نشیبی را برای ورزش کشور رقم زدند. از نکات شایان توجه این دوران اختلافات شدید رئیس سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک بود، اختلاف آنها در این دوره به اوج خود رسید و مناقشه‌هایی را به راه انداخت که اوج آن در بازی‌های آسیایی گوانگجو بروز کرد. این اختلافات به‌شدت به بدنه ورزش کشور لطمه زد و حواشی بسیاری را به راه انداخت. اختلاف‌ها تا آنجا شدت پیدا کرد که ورزش ایران تا آستانه تعلیق پیش رفت. دخالت سعیدلو در امور دو باشگاه سرخ آبی پایتخت هم از دیگر اتفاقات این دوره بود. او پای حبیب کاشانی را به پرسپولیس باز کرد و در سوی دیگر با علی فتح‌الله‌زاده در باشگاه آبی‌های پایتخت همیشه در چالش جدی بود. سعیدلو قصد نشستن بر کرسی AFC را نیز در سر داشت و در نهایت موجب کنار رفتن علی کفاشیان از هیأت اجرایی AFC شد و خود هم توفیقی در کسب این کرسی به‌دست نیاورد (۳۴).

از دیگر موارد می‌توان به تعلیق فدراسیون قایقرانی اشاره کرد؛ در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ محمد عباسی، وزیر وقت ورزش و جوانان، احمد دنیامالی، رئیس فدراسیون قایقرانی را از سمت خود برکنار کرد و سید محمد شروین اسبقیان را در رأس این فدراسیون نشانید. آن زمان بود که پای مراجع جهانی به ایران باز شد و قایقرانی کشورمان به مدت بیش از یک سال از تمامی فعالیت‌های خود باز ماند. قایقرانی ایران از سوی ICF (فدراسیون جهانی کانوئینگ) تعلیق و ضربه سهمگینی به ورزش کشور وارد شد (۳۵).

نکته شایان ملاحظه در دیپلماسی عمومی این دولت، در مسابقات جام جهانی کشتی تهران به چشم می‌خورد، زمانی که رئیس‌جمهور ایران، هنگام توزیع مدال در جمع اعضای تیم ملی کشتی ایالات متحده حاضر شد و به گرفتن عکس یادگاری با آنها اقدام کرد. مسابقه کشتی با تیم ایالات متحده می‌تواند در اذهان عمومی القاکننده این نکته باشد که حال که می‌توانیم با تیم کشتی ایالات متحده در فضای دوستی و صمیمیت مسابقه دهیم، چرا این رابطه را در عرصه دیپلماتیک با یکدیگر نداشته باشیم. خبرگزاری آسوشیتدپرس پس از پایان جام جهانی کشتی آزاد نوشت: «در یک اتفاق نادر اعضای تیم ملی کشتی آزاد آمریکا با محمود احمدی‌نژاد دست دادند» (۳۶).

لحظه‌ای نادر در دیپلماسی ورزشی این دوران که می‌توان به آن اشاره کرد، همکاری میان دشمنان یعنی ایران، ایالات متحده و روسیه در کشتی دیده می‌شود؛ زمانی که این سه کشور برای موفقیت در برابر کمیته بین‌المللی المپیک با یکدیگر متحد شدند تا از خروج قریب‌الوقوع این ورزش از رقابت‌های المپیک جلوگیری کنند. در یک سری مسابقات پرسروصدا با لقب هیاهو بر روی ریل این سه کشور مسابقات زیبایی در ایستگاه بزرگ مرکزی نیویورک در سال ۲۰۱۳ به نمایش گذاشتند. این صحنه‌ها بود که کمیته بین‌المللی المپیک را به باقی نگه داشتن این ورزش باستانی در تقویم المپیک مجاب کرد (۳۱). مهم‌ترین اتفاق ورزشی قابل ستایش این دوران نیز بازی‌های آسیایی گوانگژو بود که از ۱۶ آبان ۱۳۸۹ آغاز شد و ایران به دریافت مدال‌های متعدد به‌ویژه در بخش بانوان نائل آمد و کاروان ایران در جایگاه ممتاز چهارمی آسیا ایستاد. همچنین المپیک تابستانی ۲۰۱۲ که از ۲۷ ژوئیه تا ۱۲ اوت ۲۰۱۲ (۶ تا ۲۲ مرداد ۱۳۹۱) در شهر لندن انگلستان با بیش از ۱۰۰۰۰ ورزشکار از ۲۰۴ کشور برگزار شد نیز نکته قابل ستایشی در این دوران است که کاروان ورزشی ایران در این رقابت‌ها با کسب ۵ مدال طلا، ۶ نقره و ۲ برنز جایگاه پانزدهم را از آن خود کرد. رتبه چهارم ایران در بازی‌های آسیایی و رتبه پانزدهم در المپیک تابستانی که بهترین رتبه ایران بعد از انقلاب در این رقابت‌ها بود، از نکات قابل تقدیر در

ورزش این دولت است. باید گفت اگر ورزش در دولت اول مهرورزی توفیقی نداشت، در دولت دوم به نقطه قوت آن بدل شد.

اما با توجه به دخالت‌های دولت در عرصه ورزش، می‌توان دولت مهرورزی را مداخله‌گرترین دولت در امور ورزشی دانست. با نگاه به رزومه مسئولان ورزشی کشور در این دوران دریافت می‌شود ورزش این دوره تا چه اندازه سیاسی است و برخی سهل‌انگاری‌ها در این زمینه، ورزش کشور را تا مرز تعلیق سوق داده است. با این حال نمی‌توان سیاست این دولت را در مورد دیپلماسی ورزشی نیز صادق دانست، به این صورت که نمی‌توان گفت ورزش کشور در این دوره ارتباط منفی‌ای را در تعامل با کشورهای غرب رقم زده است و باید اظهار داشت دولت از ورزش برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده می‌جست. اگر بتوان خاموشی بخشی از ورزش کشور را که در نتیجه دخالت‌های بیش از حد سیاسیون در امور مربوط به ورزش و فدراسیون‌هاست، از کارنامه سیاسی ورزشی این دولت حذف کرد، می‌توان این دولت را دولتی موفق در دیپلماسی ورزشی دانست که این امر ممکن به نظر نمی‌رسد.

دیپلماسی ورزشی دولت تدبیر و امید (۱۳۹۲/۵/۱۲ تاکنون)

از مهم‌ترین برنامه‌های دولت یازدهم پیگیری مسائل خارجی با تکیه بر تعامل، مفاهمه و گفت‌وگو بود، آن هم در شرایطی که درهای گفت‌وگو بسته بود و اقدامات تنبیهی علیه ایران در اوج خود قرار داشت. ایده این دولت تعامل سازنده با جهان شامل محورهایی همچون دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن ساختن و بهبود روابط با کشورهای جهان بود (۳۷). از آنجا که رئیس‌جمهور اقدامات فرهنگی را مهم‌ترین عامل مبارزه با افراطی‌گری و خشونت جهانی می‌داند و عرصه بین‌المللی ورزش از مهم‌ترین تجلی‌گاه‌های فرهنگ ملی هر کشور است، دولت می‌تواند فرهنگ صلح‌ساز و صلح‌دوست خود را از طریق آن به جامعه جهانی معرفی کند (۷).

تحلیل دیپلماسی ورزشی در این دوره را با سخنان بهنام محمودی کاپیتان سابق تیم ملی والیبال ایران آغاز می‌کنیم. وی در خصوص موفقیت‌ها و دستاوردهای ورزش کشور در دولت تدبیر و امید چنین بیان می‌کند: «حضور رئیس‌جمهور در مدیریت اجرایی کشور ثمرات بسیار خوبی را به همراه داشت و یکی از حوزه‌هایی که در این بین بسیار موفق عمل کرد، ورزش بود که در حوزه قهرمانی در خیلی از رشته‌ها توانستیم موفقیت‌های چشمگیری را به دست آوریم. در چهار سال گذشته در بخش مدال‌گیری

و رکوردشکنی در بسیاری از رشته‌ها وضعیت ما بسیار مطلوب بود و این به‌خاطر حُسن توجهی بود که رئیس‌جمهور و بالطبع شخص وزیر ورزش و جوانان به اوضاع جاریه در کشور دارند». از آنجا که یکی از عوامل موفقیت در هر کشوری افتخارآفرینی ورزشکاران است، در این مدت دولت تدبیر و امید توانست با ایجاد بستر مناسب و بها دادن به ورزشکاران زمینه‌ساز مدال‌آوری و کسب افتخار برای این جامعه بزرگ باشد. همچنین با قوی شدن دیپلماسی کشورمان با دیگر کشورها، در دیپلماسی ورزشی نیز ایران بسیار موفق عمل کرد و خیلی از مشکلاتی که در ورزش ما نهادینه شده بود، با حضور سلطانی‌فر رفع شد. برای مثال برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی بانوان بسکتبالیست ما توانستند جواز حضور در رقابت‌های بین‌المللی را دریافت کنند (۳۸).

از موارد دیگر دیپلماسی ورزشی در این دولت می‌توان به دیدار رئیس‌جمهور با بلاتر در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد. رئیس‌جمهور در دیداری با سپ‌بلاتر رئیس وقت فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) بیان کرد: «فوتبال می‌تواند روابط و فرهنگ ملت‌ها و کشورهای مختلف را به هم نزدیک‌تر کند. امروز فوتبال دیگر صرفاً یک ورزش نیست، بلکه ستاره‌های درخشان فوتبال، همان سفیران صلح کشورها هستند که در نقاط مختلف دنیا در میادین مسابقه حضور دارند، ما و شما باید به دیپلماسی ورزشی به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی بیشتر اهمیت دهیم» (۳۹). این دیدارها در سطوح مقامات عالی‌کُشور و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی جهان بسیار راهگشا در مسائل ورزشی است و با ایجاد روابط حسنه بین ایشان در آینده می‌توان از این ارتباطات ایجادشده بهره‌مناسبی جست که دولت در این زمینه موفق بوده است.

از دیگر اتفاقات مهم ورزشی در این حیطه حضور تیم ملی والیبال آمریکا در قالب مسابقات جهانی والیبال در ایران و برگزار دو دیدار با تیم ملی کشورمان بود. پس از بازگشت، مربی تیم آمریکا ایران را برای هموطنانش این‌گونه تعریف کرد: «همه می‌دانیم که چهره‌ای که رسانه‌ها از روابط ایران و آمریکا ترسیم کرده‌اند چندان دقیق نیست. احتمالاً برای هر دو طرف همین‌طور است. روابط بین ملت ایران و آمریکا به‌هیچ‌وجه بازتابی از روابط بین دولت‌هایشان نیست. بله اینجا جای بسیار خوبی است و پیامی که ما به خانه می‌بریم این است، سفر بی‌نظیری بود و بسیار مشتاقیم که دوباره به اینجا بیاییم و فکر می‌کنم درک بهتری از آنچه داخل و خارج ورزشگاه می‌گذرد پیدا کرده‌ایم» (۴).

یکی دیگر از بخش‌های پرافتخار ایران در عرصه دیپلماسی ورزشی این دولت را می‌توان بعد از فرمان اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا برای ممنوعیت سفر موقت ایرانی‌ها به آمریکا دانست. این تصمیم تأثیری فوری بر تیم‌های ورزشی ایران گذاشت و تیم تیراندازی با کمان ایران از رقابت‌های وگاس که بزرگ‌ترین

و معتبرترین مسابقات تیراندازی با کمان جهان بود، بازماند. اما ایران در مقابل به تلافی آن کار اقدام نکرد. زمانی که همگان احتمال حضور تیم ملی کشتی آمریکا در مسابقات کرمانشاه را کم می‌دانستند، رسول خادم، رئیس فدراسیون کشتی ایران، طی نامه‌ای به وزیر ورزش و جوانان، خواست که این مشکل حل شود. او در این نامه استدلال کرد که با حل مشکل ویزای آمریکایی‌ها، ایران می‌تواند دیپلماسی ورزشی خود را در صحنه جهانی تقویت کند. در روز ۵ فوریه، وزارت امور خارجه ایران در اطلاعیه‌ای کوتاه اعلام کرد با توجه به تصمیم یک قاضی فدرال آمریکا در رد دستور اجرایی رئیس‌جمهور و براساس درخواست‌های فدراسیون کشتی ایران، ویزای کشتی‌گیران آمریکایی را صادر خواهد کرد (۳۱). رئیس‌جمهور ایران در سخنانی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «دنیا دید که ورزشکاران ایرانی در کرمانشاه چه کردند. دولت آمریکا را شرمند کردند. به کشتی‌گیران آمریکایی ویزا دادند و مردم کرمانشاه چه میهمان‌نوازی کردند و دنیا هم قضاوت کرد، آیا این عظمت ایران بود یا عظمت دیگران. ما در کنار ورزش تعامل سازنده با جهان می‌خواهیم و ورزش می‌تواند ما را در مسیر توسعه پایدار قرار دهد» (۴۰).

در همان ایام قبل از مسابقات نیز فدراسیون کشتی آمریکا خواهان حضور در این رویداد شده بود و به‌صراحت در نامه‌نگاری‌های خود سیاست‌های دولت متبوعشان را نقد کرده بودند. این رخداد، بازتاب مثبتی در جامعه بین‌الملل داشت و کشتی در عرصه دیپلماسی ورزشی، صلح‌جویی دولت و ملت ایران را به جهانیان نشان داد (۴۱). این اتفاقات و اظهارات، بیانگر آن بود که دولتمردان به ورزش با نگاهی تعامل‌گرا و صلح‌جو می‌نگرند و می‌کوشند از این فرصت در راستای اهداف دیپلماتیک خود بهره‌جویند. از رویدادهای ورزشی مهم این دوران که می‌توان به آن اشاره کرد، المپیک تابستانی ۲۰۱۶ ریو است که از ۵ تا ۲۱ اوت ۲۰۱۶ (۱۵ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۵) در برزیل برگزار شد. ایران در این رقابت‌ها با ۳ مدال طلا ۱ نقره و ۴ برنز در رده بیست‌وپنجم جدول مدال‌ها قرار گرفت، هرچند این رتبه از رتبه ایران در المپیک پیشین پایین‌تر است، اما جایگاه بدی به‌نظر نمی‌رسد. در این رقابت‌ها اولین مدال المپیک در تاریخ ورزش بانوان ایران نیز به‌دست آمد که می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت ورزش بانوان در این دولت باشد.

با توجه به اتفاقات ورزشی این دوران و اتخاذ تصمیمات توسط مسئولان وقت و بیانات آنان می‌توان دیپلماسی ورزشی کشور را همراستا با مواضع سیاست خارجه این دولت دیپلماسی تعامل‌گرا دانست. اوج این دیپلماسی را می‌توان حضور کشتی‌گیران آمریکایی در سال ۲۰۱۷ در مسابقات جام جهانی

کشتی آزاد کرمانشاه دانست، جایی که ورزش ایران به جهانیان نشان داد ملت ایران ملتی متمدن است و به دنبال دستیابی به صلح و دوستی در بین جوامع دنیاست. در این دوره شاهد آن بوده‌ایم که مسئولان ورزشی تصمیمات خود را براساس سیاست مدون و از پیش ترسیم‌شده تعامل جهانی اتخاذ می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد، وقتی مسئولان دولت‌ها خواستار روابط حسنه نباشند، دیپلماسی ورزشی به‌تنهایی نمی‌تواند تحول عظیمی در ارتباطات این کشورها به‌وجود بیاورد، ولی به‌خوبی می‌تواند در ارتباطات جوامع و ملت‌ها تأثیرگذار باشد که خود گامی برای تحول ارتباطات در رأس دولت‌هاست.

دولت جدید روحانی نیز سیاست خارجه خود را به مانند دوره گذشته بر پایه تعامل، مفاهمه و گفت‌وگو بنا ساخت و سیاست مصالحه با جهان را پیش روی خود قرار داد. در مورد دیپلماسی در بخش ورزش نیز تفاوتی به چشم نمی‌خورد و عملکرد این دوره را نیز می‌توان مانند دولت قبل دانست. در این خصوص می‌توان به دیدار رئیس‌جمهور با رئیس جدید فیفا اشاره کرد؛ رئیس‌جمهور سال ۱۳۹۶ در دیدار با جیانی اینفانتینو با اشاره به اینکه ورزش پیام‌آور سلامتی و نشاط بوده و همواره می‌تواند در نزدیک کردن روابط ملت‌ها به یکدیگر تأثیرگذار باشد، بیان داشت: «با توجه به جذابیت فوق‌العاده فوتبال برای ملت‌ها و به‌ویژه جوانان، فدراسیون جهانی فوتبال می‌تواند نقش بسزایی در ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها با یکدیگر داشته باشد». وی بیان کرد فدراسیون‌های منطقه‌ای باید به دنبال نزدیک کردن ملت‌ها به یکدیگر و افزایش دوستی‌ها باشند (۴۲).

در مورد دیپلماسی ورزشی این دولت به مواضع وزیر ورزش و جوانان می‌پردازیم. وی در سخنانی ورزش را مناسب‌ترین ابزار برای تحکیم وحدت و افزایش غرور ملی دانست و نگاهش درباره تیم‌های پرهواداری مانند استقلال و پرسپولیس را این‌گونه بیان کرد: «موفقیت در ورزش باعث شور و شمع ملت و یکپارچگی اقوام می‌شود. دو باشگاه استقلال و پرسپولیس با هزینه جاری حدود ۸۰ میلیارد تومان، اوقات فراغت ۵۰-۴۰ میلیون نفر را پر می‌کنند و البته یک ریال از این هزینه‌ها را هم دولت نمی‌دهد. در کدام حوزه دیگر چنین ابزار ارزانی با این برد قوی وجود دارد» (۴۳).

پرداختن به موضوع محرومیت باشگاه پرسپولیس از حضور در دو پنجره نقل و انتقالات را نیز می‌توان از موارد استفاده سیاست در دیپلماسی ورزشی این دولت دانست؛ در خصوص این پرونده سنگین (شکایت باشگاه ریزه اسپور ترکیه از پرسپولیس به سبب انتقال یکی از بازیکنان این تیم) سرپرست وقت باشگاه پرسپولیس بیان می‌کند: «زمانی که رئیس‌جمهوری ترکیه به ایران سفر کردند، وزیر ورزش و جوانان، اختلاف پرسپولیس با باشگاه ریزه اسپور را با ایشان مطرح و مقرر شد برای رفع مشکل و اختلاف، پیگیری

لازم صورت گیرد که در راستای همین جلسه، همراه با اعضای کمیته حقوقی و بین الملل به ترکیه سفر کردیم. سفر ما نیز با سفر رئیس جمهوری به ترکیه همزمان شد که شرایط خوبی را برای پیگیری‌های ما ایجاد کرد». وی همچنین بیان داشت از دیپلماسی سیاسی برای این موضوع کمک گرفتیم و موضوع حل شد. پیگیری‌های وزارت ورزش برای پیشگیری از لطمه به باشگاه‌های فوتبال، تنها مختص پرسپولیس نبوده و دیپلماسی ورزشی درباره تیم‌های دیگر نیز جواب داده است. موضوع کم شدن سهمیه ایران در لیگ قهرمانان آسیا برای فصل جدید، موضوعی بود که در چند وقت اخیر، فوتبال ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. در این میان، وزیر ورزش با رایزنی‌های شخصی که در کنار فدراسیون فوتبال با مسئولان AFC داشته، مانع از کم شدن سهمیه ایران و حذف استقلال و تراکتورسازی شده است (۴۳).

وزیر ورزش و جوانان نیز در این زمینه بیان کرد دیپلماسی ورزشی را در قالب دیپلماسی عمومی به خدمت گرفته‌ایم. پیامد دیدار رئیس‌جمهور ایران و رئیس‌جمهوری ترکیه، این بار فوتبال را در دیپلماسی ورزشی مشارکت داد تا به گسترش روابط ورزشی دو کشور ایران و ترکیه منجر شود. در قالب این دیپلماسی ورزشی روابط ایران و ترکیه در عرصه ورزش بعد از نزدیک به نیم قرن با برپایی بازی تدارکاتی ایران- ترکیه رقم خورد. واقعیت آن است که از این دیپلماسی عمومی دولت تدبیر و امید، ورزش نیز بهره برد و از مزیت شایان توجه دیپلماسی ورزش که تحقق آن نیازمند هزینه‌های چندان زیادی هم نیست، استفاده کردیم. رویکرد ما این است که از طریق ورزش و ظرفیت بالای آن در ابعاد تبلیغاتی، هنر و توانمندی خود را برای افزایش اعتبار و پرستیژ بین‌المللی به منصفه ظهور برسانیم. عرصه ورزش را برای تجلی توانمندی ایران اسلامی باور داریم و به همین منظور از ظرفیت‌های مختلف از جمله دیپلماسی ورزشی نیز بهره می‌بریم. دیپلماسی ورزشی ایران نه تنها در ابعاد فنی به سود ورزش ایران است، بلکه مهم‌تر آن است که اقتدار و عظمت ایران را در زمینه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دیگر موارد، به دلیل گستره وسیع تبلیغاتی در دید جهانی جلوه‌گر می‌سازد (۴۱).

با توجه به اهتمام سیاستمداران این دولت به دیپلماسی ورزشی ایران و همچنین استفاده از دیپلماسی عمومی برای پیشبرد اهداف ورزشی در این دولت که به نمونه‌هایی از آن پرداخته شد، باید گفت استفاده ابزاری از ورزش برای پیشبرد اهداف سیاسی و ملی و همچنین استفاده از دیپلماسی عمومی و ارتباطات مناسب با مقامات عالی‌رتبه دیگر کشورها برای پیشبرد اهداف ورزشی کاری بود که در این دولت صورت گرفته است. مسئولان این دولت بارها در بیانات خود به اهمیت دیپلماسی ورزشی برای پیشبرد اهداف ملی تأکید کرده‌اند.

جدول ۱. وقایع و مواضع شاخص و مؤثر در دیپلماسی ورزشی هر دولت پس از انقلاب

دولت	رویدادهای ورزشی مهم در هر دولت	اتفاقات و مواضع بارز در دیپلماسی ورزشی هر دولت
اول دولت	۱. المپیک تابستانی مسکو ۱۹۸۰-عدم حضور. ۲. المپیک زمستانی لیک پلاسید، نیویورک ۱۹۸۰-عدم حضور	۱. مقام سوم در جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۰ کویت در روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی. ۲. عدم حضور در المپیک تابستانی مسکو ۱۹۸۰.
دولت دوم	۱. عدم وقوع رویداد ورزشی مهم در آن زمان.	۱. سخنان رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه ما با هیچ کشوری رابطه خصمانه نداریم، مگر اینکه آن کشور در برابر انقلاب اسلامی ایران موضع خصمانه اتخاذ کرده باشد.
دولت سوم و چهارم	۱. المپیک تابستانی لس‌آنجلس ۱۹۸۴-عدم حضور. ۲. المپیک تابستانی سئول ۱۹۸۸-کسب رتبه ۳۶ در جدول مدال‌ها. ۳. المپیک زمستانی ۱۹۸۴ سارایوو-عدم حضور. ۴. المپیک زمستانی ۱۹۸۸ کالگری-عدم حضور. ۵. جام جهانی فوتبال اسپانیا-عدم حضور-انصراف. ۶. جام جهانی فوتبال ۱۹۸۶ مکزیک-عدم حضور-عدم حضور در مقدماتی. ۷. بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ دهلی نو-حضور-کسب رتبه ۷ در جدول مدال‌ها. ۸. بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول-حضور-کسب رتبه ۴ در جدول مدال‌ها.	۱. اولین حضور ایران در بازی‌های آسیایی بعد انقلاب، بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ دهلی‌نو، هندوستان. ۲. عدم حضور در المپیک تابستانی لس‌آنجلس ۱۹۸۴. ۳. سخنان نخست‌وزیر در خصوص عدم شرکت ایران در المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس. ۴. برگزاری مسابقات دهه فجر سال ۱۳۶۴، برای نشان دادن امنیت و قدرت تأمین آن در سال‌های جنگ. ۵. اولین حضور ورزشکاران ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در المپیک تابستانی (سئول ۱۹۸۸). ۶. عدم حضور و انصراف از جام جهانی فوتبال اسپانیا. ۷. عدم حضور در مقدماتی جام جهانی فوتبال ۱۹۸۶ مکزیک.
دولت سازندگی	۱. المپیک تابستانی ۱۹۹۲ بارسلون-حضور-کسب رتبه ۴۴ در جدول مدال‌ها. ۲. المپیک تابستانی آتلانتا ۱۹۹۶-حضور-کسب رتبه ۴۳ در جدول مدال‌ها. ۳. المپیک زمستانی البرتویل ۱۹۹۲-عدم حضور. ۴. المپیک زمستانی لیل‌هامر ۱۹۹۴-عدم حضور. ۵. جام جهانی فوتبال ۱۹۹۰ ایتالیا-عدم حضور-عدم صعود از انتخابی. ۶. جام جهانی فوتبال ۱۹۹۴ آمریکا-عدم حضور-عدم صعود از انتخابی. ۷. بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن-حضور-کسب رتبه ۵ در جدول مدال‌ها. ۸. بازی‌های آسیایی ۱۹۹۴ هیروشیما-حضور-کسب رتبه ۶ در جدول مدال‌ها.	۱. اولین تجربه رسمی سفر یک تیم ایرانی به آمریکا، پس از انقلاب اسلامی (تیم ملی کشتی ایران برای حضور در مسابقات جام جهانی ۱۳۷۴). ۲. حضور تیم کشتی آمریکا در مسابقات بین‌المللی دهه فجر ۱۳۷۴. ۳. حضور یک نماینده از پارلمان آمریکا همراه تیم کشتی آمریکا در تهران و سخنان او. ۴. سخنان رئیس‌جمهور وقت، در خلال سفر تیم ملی کشتی به آمریکا در خطبه‌های نماز جمعه که اعلام کرد این هیأت ورزشی بنا به تصمیم من رئیس‌جمهور به آمریکا سفر کرده است. تیم باید می‌رفت و ورزش یک امر جهانی است.

۱. المپیک تابستانی ۲۰۰۰ سیدنی-حضور- کسب رتبه ۲۶ در جدول مدال‌ها. ۲. المپیک تابستانی ۲۰۰۴ آتن-حضور- کسب رتبه ۲۹ در جدول مدال‌ها. ۳. المپیک زمستانی ناگانو ۱۹۹۸-حضور- ۱ نماینده. ۴. المپیک زمستانی ۲۰۰۲-حضور- ۲ نماینده. ۵. جام جهانی فرانسه ۱۹۹۸-حضور- رتبه ۲۰. ۶. جام جهانی کره و ژاپن ۲۰۰۲-عدم حضور-عدم صعود از انتخابی. ۷. بازی‌های آسیایی بانکوک ۱۹۹۸-حضور- کسب رتبه ۷ در جدول مدال‌ها. ۸. بازی‌های آسیایی بوسان ۲۰۰۲-حضور- کسب رتبه ۱۰ در جدول مدال‌ها.

۱. حضور تیم ملی کشتی آمریکا با دعوت‌نامه رسمی فدراسیون کشتی ایران در مسابقات جام تختی (فوریه ۱۹۹۸). ۲. تشویق تیم کشتی آمریکا در استادبوم آزادی توسط ایرانیان و در دست داشتن پرچم ایران توسط ستاره تیم ملی کشتی آمریکا. ۳. حضور فوتبالیست‌های ایران در جام جهانی فوتبال با رفتاری دوستانه و اهدای دسته گل به رقبایشان قبل از هر بازی. ۴. دستور مقامات رسمی ایران و آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ به ورزشکاران مبنی بر آنکه آرام و مؤدب باشند. ۵. انتخاب بازی ایران و آمریکا توسط فیفا به عنوان بازی جوانمردانه و دریافت جایزه بازی جوانمردانه در اول فوریه ۱۹۹۹. ۶. تبریک رئیس‌جمهور ایالات متحده، برای پیروزی تیم ایران. ۷. پیشنهاد رئیس‌جمهور در سال ۱۹۹۸ مبنی بر آنکه از ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی ایران و آمریکا استفاده شود. ۸. نخستین حضور ایران پس از انقلاب در بازی‌های المپیک زمستانی (ناگانو ۱۹۹۸). ۹. اولین حضور ایران در جام جهانی فوتبال (فرانسه ۱۹۹۸). ۱۰. بهترین رتبه ایران در المپیک تابستانی پس از انقلاب (۲۰۰۰ سیدنی-رتبه ۲۶).

۱. المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن-حضور-کسب رتبه ۵۱ در جدول مدال‌ها. ۲. المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن-حضور- کسب رتبه ۱۵ در جدول مدال‌ها. ۳. المپیک زمستانی ۲۰۰۶ تورین-حضور- ۲ نماینده. ۴. المپیک زمستانی ۲۰۱۰ ونکوور-حضور- ۴ نماینده. ۵. جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان-حضور-کسب رتبه ۲۵. ۶. جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی-عدم حضور-عدم صعود از انتخابی. ۷. بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه-حضور-کسب رتبه ۶ در جدول مدال‌ها. ۸. بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ گوانگ‌ژو-حضور- کسب رتبه ۴ در جدول مدال‌ها.

۱. رتبه چهارم ایران در بازی‌های آسیایی گوانگ‌ژو. ۲. رتبه ۱۵ در المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن که بهترین رتبه ایران بعد از انقلاب در این رقابت‌ها بود. ۳. دخالت مستقیم در امور فدراسیون فوتبال و عزل محمد دادکان در ۳۱ خرداد سال ۱۳۸۵ که به تعلیق کامل فوتبال ایران منجر شد. ۴. تعلیق فدراسیون قایقرانی توسط ICF به سبب دخالت مستقیم وزیر ورزش در امور فدراسیون. ۵. قصد رئیس‌جمهور برای ریاست فدراسیون فوتبال. ۶. حضور رئیس‌جمهور ایران، هنگام توزیع مدال در جمع اعضای تیم ملی کشتی ایالات متحده. ۷. همکاری میان ایران، ایالات متحده و روسیه در کشتی برای جلوگیری از خروج قریب‌الوقوع این ورزش از رقابت‌های المپیک (مسابقات نیویورک، ۲۰۱۳).

۱. المپیک تابستانی ۲۰۱۶ ریو-حضور- کسب جایگاه ۲۵ در جدول مدال‌ها.
۲. المپیک زمستانی ۲۰۱۴ سوچی- حضور- ۵ نماینده.
۳. المپیک زمستانی ۲۰۱۸-حضور- ۴ نماینده.
۴. جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل-حضور- رتبه ۲۸.
۵. جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه-حضور- رتبه ۱۸.
۶. بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون-حضور-کسب رتبه ۵ در جدول مدال‌ها.
۶. بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی-حضور-کسب رتبه ۶ در جدول مدال‌ها.
۱. دیدار رئیس‌جمهور با س‌پ‌بلاتر رئیس وقت فدراسیون جهانی فوتبال ۲. اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه فوتبال می‌تواند روابط و فرهنگ ملت‌ها و کشورهای مختلف را به هم نزدیک‌تر کند.
۳. سخنان مربی تیم ملی والیبال آمریکا پس از مسابقات جهانی والیبال ایران. ۴. ممنوعیت سفر موقت ایرانی‌ها به آمریکا و تأثیر آن بر تیم‌های ورزشی ایران ۵. صدور ویزای کشتی‌گیران آمریکایی پس از دستور رئیس‌جمهور آمریکا. ۶. دیدار رئیس‌جمهور با جیانی اینفانتینو رئیس فدراسیون جهانی فوتبال. ۷. اولین مدال المپیک در تاریخ ورزش بانوان ایران. ۸. رایزنی‌های شخصی وزیر ورزش و جوانان در کنار فدراسیون فوتبال با مسئولان AFC، در خصوص موضوع کم شدن سهمیه ایران در لیگ قهرمانان آسیا که مانع از کم شدن سهمیه ایران شد. ۹. پیگیری رئیس‌جمهور ایران در دیدار رئیس‌جمهور ترکیه برای رفع مشکل و اختلاف پرسپولیس با باشگاه ریزه اسپور که به گسترش روابط ورزشی دو کشور منجر شد.

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز باید به دیپلماسی عمومی به‌ویژه در امر ورزش توجه زیادی کرد و به‌دنبال آن حضور ورزشکاران در مسابقات جهانی مانند جام جهانی فوتبال و بازی‌های المپیک دوچندان نمود پیدا می‌کند. در واقع بازی‌های المپیک که کانون اصلی یک نهضت عظیم اجتماعی جهانی است، از طریق بازی و فعالیت‌های ورزشی، تکامل انسانی و تفاهم بین‌المللی را تقویت می‌کند. المپیک که نتیجه همیاری کمیته‌های ملی المپیک، فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی و سایر سازمان‌های همفکر است، خواستار ترویج بازی‌ها و آرمان المپیک است و می‌تواند در گسترش روابط ملت‌ها و حتی دولت‌ها نقش آفرین باشد. بازی‌های المپیک که محل تجمع نمایندگان کشورهای مختلف از پنج قاره جهان با فرهنگ‌های مختلف است، از منظر دیپلماسی ورزشی گواه این است که تبادل ارتباطات تنها محصور به یک راه نیست، بلکه این حضور محلی برای ارتباطات بین ملت‌ها و دولت‌ها ایجاد می‌کند که در تغییر نگرش بازیگران بین‌الملل هم نقش ایفا می‌کند. بر این اساس امروز بسیاری از کشورهای دنیا در تلاش‌اند تا با دست گذاشتن بر موضوعاتی از جمله ورزش در چارچوب منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی، به‌نوعی در عرصه سیاست خارجی در جهت افزایش سطح مناسبات استفاده کنند. در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه دیپلماسی ورزشی سازوکارهایی برای راهبری دیپلماسی ورزشی از جمله تأسیس فدراسیون

ورزش همبستگی زنان مسلمان در سال ۱۳۷۰، تأسیس فدراسیون ورزشی غرب آسیا در تهران در سال ۱۳۷۶ و تأسیس فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای **IZSF** در سال ۱۳۸۳ در محل آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک صورت گرفته است (۴).

دولت‌ها می‌توانند از ورزش برای هویت‌سازی مدنظر خود نیز استفاده کنند. وقتی همه مردم برای پیروزی و برد تیم‌های ملی یا قهرمانان ملی‌شان همراهی می‌شوند، پایبندی خود را به کشور نشان می‌دهند و آن را تقویت می‌کنند و وقتی هواداران پرچم کشورشان را به دست می‌گیرند، هنگامی که سرود ملی کشور پخش و پرچم کشورشان برافراشته می‌شود، به احترام آن می‌ایستند و نام کشور را با افتخار بر زبان می‌آورند. این امر سبب همگرایی و تعامل و صلح بین مردم آن کشور با هر مذهب، عقیده و گروه سیاسی می‌شود؛ موضوعی که دولت‌ها به آن نیاز دارند و به دنبال تحقق آن‌اند. دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها از این محبت که ورزش در اختیار آن قرار داده است، استفاده جسته‌اند.

با توجه به سیاست‌های متفاوت دولت‌های مختلف ایران بعد از انقلاب اسلامی در تعامل با سایر کشورها جهان و متأثر از آن دیپلماسی عمومی و در ادامه دیپلماسی ورزشی نیز فراز و نشیب‌هایی را متوجه خود داشته است. به طوری که باید گفت دیپلماسی ورزشی هر دولت تابعی از دیپلماسی عمومی و سیاست‌های خارجه آن دولت بوده است. با بررسی دقیق این موضوع مشاهده می‌شود سیاست‌های دولت‌های مختلف در مقابله با کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی و آمریکا با فراز و نشیب‌هایی در دوران بعد انقلاب همراه بوده است و از سیاست یکنواختی پیروی نمی‌کرده‌اند. این اختلاف رویکرد در مورد دیپلماسی ورزشی این دولت‌ها نیز صادق است و در این زمینه به نظر می‌رسد که دولت‌های ایران سازوکار مشخصی برای بهره گرفتن از دیپلماسی ورزش نداشتند. با این حال در مورد دیپلماسی ورزشی تفاوتی به چشم می‌خورد، آن هم این است که سیاست خارجه دولت‌ها گاهاً تفاوت‌های فاحشی بدون توجه به مقطع زمانی و فاصله آن دولت با ابتدای انقلاب اسلامی باهم دارند، اما در خصوص دیپلماسی ورزشی شاهد آنیم که هرچه از اوایل انقلاب فاصله ایجاد شده، این دیپلماسی از بسته و محافظه‌کار بودن به سمت باز و تعامل‌گرایی حرکت کرده است. در این خصوص می‌توان گفت حتی دولت‌های محافظه‌کار نیز از این اصول پیروی کرده‌اند و در مواجهه با ورزش و ورزشکاران دولت‌هایی که از آنها به‌عنوان دشمن یاد می‌شود، با نگاه تعاملی رفتار کرده‌اند. دلیل آن نیز آگاه شدن دولت‌ها از تأثیر مثبت دیپلماسی ورزشی آنان در روابط بین‌المللی خود و همچنین مشروع جلوه دادن خود در محافل و جوامع بین‌المللی است.

با توجه به اینکه تفاوت‌هایی در رویکرد دیپلماسی ورزشی دهه اول انقلاب اسلامی با سال‌های بعد آن در مقابله کشورهای غربی و همچنین حضور در رویدادهای مهم ورزشی شاهد بوده‌ایم، اما می‌توان گفت رویکردی در این خصوص وجود دارد که به یک قانون ورزشی تبدیل شده و هیچ دولتی نیز برای تغییر آن عملی انجام نداده است، آن هم عدم تقابل تیم‌های ورزشی و ورزشکاران ایرانی با تیم‌ها و ورزشکاران رژیم اشغالگر قدس است؛ موضوعی که ورزش ایران را در برخی موارد با ضررهایی روبرو ساخته است، اما با این حال ورزشکاران و ملت ایران که یکی از اهداف ورزش را صلح جهانی می‌داند، اهم را به مهم ترجیح می‌دهند و در مقابله با جنایات و عدم مشروعیت آنان از مواجهه با ورزش این رژیم خودداری می‌ورزند.

کسب موفقیت‌ها و حضور شایسته در المپیک و جام جهانی فوتبال و سایر رویدادهای مهم ورزشی جهان نیز به تقویت جایگاه کشورها در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند و هم سبب بهبود ارتباطات با دستگاه سیاسی سایر کشورها و همچنین جوامع مختلف می‌شود. دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز با فرازونشیب‌هایی روبرو بوده‌اند، به طوری که هرچه از سال‌های ابتدایی انقلاب فاصله ایجاد می‌شود، دستاوردها و موفقیت‌ها چه در المپیک و جام جهانی فوتبال و چه در خصوص سایر رویدادهای مهم ورزشی با توفیق و موفقیت‌های بیشتر مواجه شد که بیانگر اهتمام بیشتر دولت‌های دهه‌های سوم و چهارم انقلاب نسبت به دولت‌های دهه‌های اول و دوم در این زمینه است، البته بخشی از آن نیز به دلیل شرایط سخت سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی کشور بوده است که خود مسبب اصلی عدم موفقیت ورزش کشور در آن سال‌ها بود.

به طور کلی می‌توان گفت استفاده از دیپلماسی ورزشی و بهره جستن از آن برای پیشبرد اهداف سیاسی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد و هیچ دولتی به آن بی‌توجه نبوده است، اما توجه به آن در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و سپری کردن شرایط بغرنج کشور، رو به فزونی گذاشت، به طوری که هرچه از آن دوران فاصله ایجاد می‌شود، شاهد ارتباط و تعامل بین‌المللی بیشتر دولتمردان در این عرصه هستیم.

در انتها با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود دولت‌های آتی کشور به دیپلماسی ورزشی به‌منزله ابزاری مناسب، ضروری و کم‌هزینه برای نیل به اهداف سیاسی و بین‌المللی خود توجه بیشتری معطوف دارند و با تدوین آیین‌نامه‌های مدون و شفاف، رویکردی متناسب، باثبات و هدفمند را در خصوص دیپلماسی ورزشی دنبال کنند که به همراستایی این مهم در ادوار مختلف جمهوری اسلامی ایران کمک کند تا با تغییر دولت در کشور و همچنین با تغییر دولت‌ها و مواضع سایر کشورها، دیپلماسی ورزشی

دستخوش تغییر چندانی نشود و بتواند در راستای صلح‌دوستی و ارتقای اعتبار کشور به‌طور مداوم حرکت کند. همچنین پیشنهاد می‌شود با آموزش مدیران سیاسی و ورزشی و آشنا کردن آنان با قوانین بین‌المللی ورزش، موجب پیشرفت و مانع متضرر شدن ورزش کشور شد.

منابع و مأخذ

1. Moinaldin J, Entezaralmahdi M. [Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran during the Presidency of Mr (In Persian)]. Hashemi Rafsanjani and Mohammad Khatami, Encyclopedia. 2009; 2(3):189-216.
2. Sabaghian A. [Sports diplomacy (In Persian)]. Studies of Culture-connections. 2015: 132-151.
3. Yazdani E, Nezhad zandieh R. [Application of Public Diplomacy in the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy in the Framework of the Islamic Revolution Principles and Values (In Persian)]. Scientific-Research Quarterly Journal of Research Islamic Revolution. 2012; 7 :19-44.
4. Hassankhani S. When the power of sport diplomacy is greater than the power of governments. 2015,11,20. Available from: <https://www.yjc.ir/fa/amp/news/5363268>.
5. Shariatifeyzabadi M, Sajjadi N, Khaebari M, Alidostghahfarrokhi E. The Olympic Movement or the Diplomatic Movement; The role of sport in the development of international relations of the world community of Tehran. Tiktak. 2015.
6. Ahanijan S. The Effect of Supportive Behaviors on the Development and Effectiveness of the Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran, Master's Thesis, Faculty of Political Science and Law, University of Tehran; 2012.
7. Shariatic Feyzabadi M, Nazemi M. [Designing the concepts of sport peace culture in the development of international relations, Case Study of Vio Design "A World Without Violence and Extremism" Residential Persia (In Persian)]. Quarterly Journal of Social Cultural Strategy. 2017; 24: 163-188.
8. Rider T Ch. The Olympic Games and the Secret Cold War: The US Government and the Propaganda Campaign Against Communist Sport, 1950-1960, thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. The School of Graduate and Postdoctoral Studies, The University of Western Ontario. Canada; 2011.
9. Zargar A. [Sports and international relations: Conceptual and theoretical aspects(In Persian)]. Quarterly Journal of Political Science. 2015; 31: 7-48.
10. Fazeli H [sport and Politics Identity (In Persian)]. Research journal of political science. 2012; 2: 151-174.
11. Shariati Feyzabadi M, Godarzi M [The position of sport diplomacy in International Relations of the Islamic Republic of Iran; Qualitative approach based on content analysis (In Persian)]. Political knowledge. 2015; 2: 95-127.

12. Bagheri Y, Shariati Feyzabadi M, Nazarian A. [Interpretative Structural Model (ISM) Components of Exercise Diplomacy (In Persian)]. *Sports management*. 2016; 5: 797-821.
13. Shariati M, Godarzi M. [Structural Modeling (SEM) Components of Exercise Diplomacy in the Development of International Relations of the Islamic Republic of Iran (In Persian)]. *New Trends IN Sport Management*. 2017; 16: 89-104.
14. Bakhshi Chenari AR, Goodarzi M, Sajjadi SN, Jalali Farahani M [Solutions for Empowering and Promoting Sport Diplomacy in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran (In Persian)]. *Communication Management in Sports Media*. 2019; (6) 23: 15-22.
15. Peymanfar MH, Elahi A, Sajjadpour SMK, Hamidi M [Explaining sports diplomacy using a paradigm paradigm: Qualitative Study (In Persian)]. *Sport Managemen*. 2019; 11(1): 51-60.
16. Castro AS. South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Successful Hosting of the 2010 FIFA World Cup. *The Hague Journal of Diplomacy*. 2013;8(3-4):197-210.
- Cha V. The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia. *The International Journal of the History of Sport*. 2013 ;30(10):1176-87.
18. Murray S, Pigman GA. Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*. 2014;17(9):1098-118.
19. Pigman GA. International Sport and Diplomacy's Public Dimension: Governments, Sporting Federations and the Global Audience. *Diplomacy & Statecraft*. 2014 ;25(1):94-114.
20. Abdi K, Talebpour M, Fullerton J, Ranjkesh MJ, Jabbari Nooghabi H. Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: Introducing a sports diplomacy model. *International Area Studies Review*. 2018;21(4):365-81.
21. Dubinsky Y. From soft power to sports diplomacy: a theoretical and conceptual discussion. *Place Branding and Public Diplomacy*. 2019;15(3):156-64.
22. Shargh Newspaper: The story of two sanctions, 2011,10,20. Available from: <http://old.sharghdaily.ir/news/90/07/28/38027>.
23. Foadi Ch. Re-read The strange story of the national team at the 1980 Asian Cup in Kuwait, 2015,09,26. Available from: <https://90tv.ir/news>.
24. Raja News: Shahid Rajae's approach IN foreign policy of the Islamic Republic of Iran. 2016,06,09. Available from: <http://www.rajanews.com/news/253409>.
25. Dolatabadi F. Institute for the regulation and publication of works by Imam Khomeini, Printing Institute and publication of oroj; 2008.
26. National Olympic Committee of Iran: Twenty third Olympic Games 1984 Los Angeles, Available from: <http://www.olympic.ir/fa/history/olympicgameshistory/losangeles1984>.
27. varzesh 3: Report of FIFA ratification and Iran sanctions on the World Cup, 2016,02,04. Available from: <https://www.varzesh3.com/news/1299363>.
28. Mirkoshesh A. Foreign Policy Dialogue of Hashemi Rafsanjani, Islamic Republic News Agency. 2017,01,10. Available from: <http://www.irna.ir/fa/News/82381562>.
29. Tabnak Sport: Parvin's report of his legionnaire. 2016,06,01. Available from: <https://www.tabnak.ir/fa/news/593987>.

30. Aftab News: Sports diplomacy. 2005,05,17. Available from: <http://aftabnews.ir/vdcf.cdjiw6detgiaw.html>.
31. Entessar N. The Limits of Sports Diplomacy in US-Iran Relations, 2017, Available from: <http://lobelog.com/the-limits-of-sports-diplomacy-in-us-iran-relations>.
32. Shahabi H. Sports diplomacy between Iran and the United States, 2013,09,30. Available from: <http://basirat.ir/fa/news/261010>.
33. Dehghani J. [Fundamentalist-based fundamentalist discourse on Ahmadinejad's administration's foreign policy (In Persian)]. Journal political science. 2007; 3: 67-98.
34. Ilna: A review of the state of play of Ahmadinejad's government from Dadkan story to coin sport. 2015,10,18. Available from: <https://www.ilna.ir>
35. kayhan: Sailing Federation Suspension.2014,01,26. Available from: <http://kayhan.ir/fa/news/3958>.
36. Isna: Hello American wrestlers with Ahmadinejad at the Associated Press. 2013,01,24. Available from: <https://www.isna.ir/news/91120502847>.
37. Rezaei A, Torabi GH. [Foreign policy of Hassan Rouhani government, Constructive interaction within the framework of the developmentist state (In Persian)]. International Journal of Political Studies, Islamic Azad University, Shahreza Branch. 2013; 15: 131-161.
38. Raheeroz: Dr Rouhani's attention to the sport of the country is highly commendable. Diplomacy is the reason for Iran's progress. 2017,12,16. Available from: <http://raheeroz.com/fa/news/18549>.
39. Presidential Website: Visit of Sebbleteore, head of the World Football Federation with Dr. Rouhani. 2013,11,26. Available from: http://rouhani.ir/event.php?event_id=176.
40. Iran Varzeshi: President's appreciation of the Olympic and Paralympic champions, Iran varzeshi. 2017,03,04. Available from: <http://www.iran-varzeshi.com/News/74101>.
41. Soltanifar M. Combining Thought, Hope and Justice in Iranian sport diplomacy. 2018,05,31. Available from: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3752456>.
42. Tasnim News: Clerical meeting with Infantino. 2018,03,01. Available from: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/12/10/1669688>.
43. Isna: Speaking Soltanifar with Erdogan at dinner table. 2019,03,27. Available from: <https://www.isna.ir/news/96092614270>.

The Position of Sports Diplomacy in Iran's Foreign Policy after the Islamic Revolution in 1979

Reza Hassanpour Ghadi¹ - Morteza Dousti^{*2}

1.Ph.D. Student of sport management, Faculty of Sport Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran 2.Associate Professor, Faculty of Sport Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
(Received: 2019/05/16; Accepted: 2020/03/19)

Abstract

Today, sports diplomacy is one of the types of public diplomacy that has a special place in the foreign policy of countries. The special circumstances of the Islamic Republic of Iran redouble the need for effective sports diplomacy. Governments after the Islamic Revolution have always sought to use the capabilities of soft power, but they have not been effective in this regard and or they have faced various challenges. The use of correct and effective sports diplomacy can help politicians to achieve their political goals, especially in the field of international relations and world peace. The main question of this research is what was the position of sports diplomacy in Iranian governments after the Islamic Revolution? In this research, the position of sports diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran after the Islamic Revolution that has been studied by descriptive-analytical method and using library and documentary sources. The results showed that Iranian sports diplomacy does not follow a specific trend and pattern, but as time goes on since the beginning of the revolution, governments, regardless of their political positions, have resorted to using this diplomacy to their advantage.

Keywords

Sports diplomacy, diplomacy, Islamic Revolution, Iranian governments, foreign policy.

*Corresponding Author: Email: dosti@umz.ac.ir ; Tel: 09113559386